

# IL GÜN

ایل گون

No. 15 September 2000

سال چهارم - شماره ۱۵ شهریور ۱۳۷۹

Garaslyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن



استاد نظرلی محجوبی هنرمند ملی خلق ترکمن

## فهرست مطالب :

- ۲ بن بست سیاسی اصلاح طلبی خاتمی
- ۵ پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمن ها...
- ۷ نگاهی به نگرش های نو در رابطه با مسئله ملی
- ۱۱ بیاد نظری محجوبی هنرمند ملی ترکمن
- ۱۴ وحدت ملی در گرو حل مسائل ملی
- ۱۹ بدرود شاملو، شاعر مبارز
- ۲۰ وضعیت ترکمن های عراق
- ۲۰ بابک قهرمان ملی آذربایجان ...
- ۲۱ اعتراف خاتمی به وجود ملیت های مختلف در ایران
- ۲۲ اخبار

## بن بست سیاست اصلاح طلبی خاتمی

تحولات سیاسی در ایران شتاب فزاینده ای بخود میگیرند. نقطه اوج درگیریها که به روشن تر شدن مرزهای طرفین درگیر انجامید، نامه ای بود که روز ۱۶ مردادماه خاتمه ای بعنوان "ولی فقیه مطلقه" به رئیس مجلس فرستاد که در آن دستور داد لایحه اصلاحیه قانون مطبوعات از دستور کار مجلس خارج شود.

این دخالت مستقیم و صراحت برخوردار خاتمه ای با مجلس بعنوان قوه مقننه که در واقع برخورد مستقیم خاتمه ای با نیروهای دوم خردادی بود، نقطه عطفی در جنگ قدرت بین جناحهای حکومتی بود. دوم خردادیها و بخش بزرگی از اپوزیسیون خارج از کشور امیدوار بودند که اکنون بعد از فتح مجلس، تغییرات گسترده ای در ساختار قدرت سیاسی در ایران پدید آید، اما خاتمه ای با این عمل خود نشان داد که در سیستم کنونی، مجلس کاره ای نیست و ولی فقیه است که تصمیم میگیرد.

خاتمه ای و جناح راست حکومت می توانستند از طریق ارگانهای ناظر بر مجلس از جمله شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح مصوبه مجلس را رد کرده و آنرا مغایر قانون اساسی شمارند ولی جناح راست مستقیماً خاتمه ای را به خط مقدم جبهه فرستاد. این پدیده تازه ای بود. جناح دوم خرداد و خاتمی تاکنون سعی در عدم درگیری مستقیم داشتند. درگیریها از

جانب نیروهای اطراف خاتمه ای صورت می گرفت. در اثر پیشرفت تحولات، آنها توان درگیری مستقیم سیاسی را از دست داده بودند و خاتمه ای را بعنوان قویترین و آخرین مهره خود به میدان آوردند و از این طریق به دوم خردادیها نیز فهماندند که بدست گرفتن مجلس به معنی بالا رفتن توان تصمیم گیری آنها نیست.

در مقابل بخش بزرگی از اصلاح طلبان و در رأس آنها رئیس جمهور همچنان به حفظ ولایت مطلقه در رأس قدرت و آشتی ولایت و جمهوریت پایبند هستند. این در حالی است که مردم سه سال پیش در انتخابات ریاست جمهوری بر اساس "نه" به ولایت فقیه به خاتمی رأی دادند. مردم سیطره ولایت فقیه و عده ای چپاولگر و غارتگر ثروتهای ملی را نمیخواستند. با هر امکانی و در هر فرصتی این را به درستی نشان دادند. اما خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی سعی در آرام و بدور از صحنه نگه داشتن مردم دارند که از شفافیت و گسترش مبارزات توده مردم بر علیه ولایت فقیه و برای اصلاحات واقعی در جامعه بکاهند. این سیاست آقای خاتمی با مقاومت جدی در جامعه روبرو میگردد و دیگر نمیتواند بیش از این کارساز باشد. بنظر میرسد که این سیاست به بن بست رسیده است. تلاش برای اصلاحات در این چارچوب دیگر معنی و مفهومی ندارد.

برخی از نیروهای دوم خردادی در عرصه

مبارزه فراتر از خاتمی رفته اند. برخورد برخی از نمایندگان در رابطه با نامه خاتمه ای به مجلس، حداقل در گام نخست پایبندی آنها به مردم در جهت قانونگرایی و پیشبرد اصلاحات بود. آنها هیئت رئیسه مجلس را مجبور کردند که نامه خاتمه ای را، که قرار بود فقط هیئت رئیسه مجلس از آن اطلاع داشته باشد، در جلسه علنی مجلس قرائت کنند. در اعتراض برخی از نمایندگان، رئیس مجلس اظهار داشت که این یک امر حکومتی است. آنها بطور مشخص به مردم نشان دادند که شخص خاتمه ای، بعنوان ولی فقیه مطلقه، در مقابل اصلاحات قرار گرفته است. چند روز بعد ۱۶۱ نماینده مجلس در طی نامه ای خطاب به ملت، که در جلسه علنی مجلس قرائت شد، گفته اند که بر سر وعده های خود با مردم ایستاده و اصلاحات را به پیش خواهند برد. آنها با این عمل خود اتوریته رهبر و ولی فقیه را زیر علامت سوال بردند.

واقعیت های زندگی و مبارزه اجتماعی و سیاسی، برخی از نیروهایی دوم خردادی را نیز که به توده های مردم اعتماد و اعتقاد بیشتری دارند، وارد فاز جدیدی می کند. آقای هاشم آغاچری عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می گوید: "دین نه تنها افیون توده هاست،

بقیه در صفحه بعد

## بن بست سیاست ...

افیون حکومت ها هم است." و معتقد است که دین بایستی کامل از حکومت جدا گردد. حجت الاسلام کدیور نیز بدینگونه می اندیشد. دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در نامه ای خطاب به حجت الاسلام کروی، رئیس مجلس شورای اسلامی، گفتند: "دیگر نمیخواهیم سرنوشتان را یک امر حکومتی رقم بزنند."

نیروی راست نیز با تمام توان در مقابل جنبش مردم مقاومت می کند. یزدی و جنتی از فقهای شورای نگهبان اعلام کردند که صلاحیت هر یک از نمایندگان در هر لحظه می تواند لغو شود. سمنار سالانه دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد در اثر فشار نیروهای فشار که از جانب راستگرایان حکومتی هدایت میشود تعطیل شد. آقایان سروش و کدیور که جهت سخنرانی در این سمینار به خرم آباد رفته بودند، نتوانستند از فرودگاه خارج گردند و مجبور شدند که از همانجا به تهران برگردند. اما متأسفانه این انحصار طلبی که به تضعیف نیروهای اصلاح طلب منجر می گردد حتی نزد دفتر تحکیم وحدت که از رادیکالترین این جریان است بوضوح دیده میشود. آنها نهضت آزادی را که به سمنار پیام فرستاده بود به تسخر گرفته و بر ضد آن، همانند راستگرایان حکومتی، سخن راندند. این در حالی بود که سمنار آنها شدیداً تحت فشار و محاصره راستگرایان قرار داشت.

نیروی راست، مخالف اصلاحات و دموکراسی در ایران از تمامی امکانات خود در مقابله با

جنبش مردم استفاده می کند. بنظر آنها هر اصلاح طلبی بایستی سرکوب شود. آنها سیاست سرکوب قاطعانه را در پیش گرفته اند که نمونه بارز آن جریان خرم آباد بود. نیروهای محافظه کار آن را مخالفت های خود جوش مردم خواندند اما هیئت وزیران اعلام کرد که حوادث خرم آباد یک اغتشاش برنامه ریزی شده بود. حجت الاسلام رفسنجانی در دیدار خود با اعضای مجلس خبرگان اظهار داشت: "کسانی که زیر عنوانی ظاهری دفاع از حقوق مردم حرکت های مرموز و شیطننت آمیز را انجام میدهند بدنبال براندازی هستند". اما اصلاح طلبان حکومتی همچنان بر سیاستهای سابق تاکید می کنند و حتی آقای بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس در اردوی فرهنگی و سیاسی دانشجویان جنبه مشارکت می گوید که "تنها شیوه دموکراسی در کشور جمهوری اسلامی است" و می گوید که "ولایت فقیه مطلقه مظلوم واقع شده است".

اصلاح طلبان از بزرگترین امکان خود یعنی توده های مردم و دیگر نیروها و جریانانات مردمی خارج از حکومت که خواهان تغییرات در سطوح جامعه هستند هیچ استفاده ای نمی کنند. بدون حضور مردم و اتحاد و همکاری نیروهای طرفدار ترقی اجتماعی دموکراسی روند اصلاحات به پیش نخواهد رفت.

\*\*\*

در مجلس شورای اسلامی برخی تحولات صورت می پذیرد که قابل توجه هستند. نمایندگان کرد برای خود فراکسیونی تشکیل داده اند. این فراکسیون در جهت بررسی مسائل و مشکلات مناطق کردنشین همیاری

و همفکری خواهند داشت. همچنین نمایندگان ترک آذربایجان نیز در این راستا "مجمع نمایندگان آذری" را تشکیل دادند. این امر نکته مثبتی در روند طرح و پیگیری مسائل و مشکلات مناطق ملی خواهد بود. لازم است که نمایندگان ترکمن و دیگر مناطق ملی نیز، هرچند که تعداد آنها نسبت به ترکها و کردها کم هستند، به مانند آنها عمل نمایند. هماهنگی و همکاری نزدیک این فراکسیون ها می تواند گامهایی در جهت بهبود وضعیت مناطق ملی که دردهای مشترک آنها جدا از همدیگر نیستند، باشد.

از نکات قابل توجه دیگر، انتخابات هیئت رنیه مجلس بود. جنبه مشارکت، قویترین فراکسیون مجلس، پیشنهاد نمود که یکی از نمایندگان "اهل تسنن" در هیئت رنیه انتخاب گردد. این پیشنهاد متأسفانه از جانب سایر نیروهای دوم خردادی مورد موافقت قرار نگرفت و جنبه مشارکت نیز پیشنهاد خود را پس گرفت. این امر نیز نشان داد که هنوز بسیاری از نیروهای دوم خردادی که خود را طرفدار دموکراسی می دانند و شعار "ایران برای همه ایرانیان" را می دهند چقدر در واقعیت زندگی انحصارطلب و بدور از واقعیت های جامعه ایران هستند.

همانطور که راستها دایره تنگ خودی و غیر خودی دارند که برخی از اصلاح طلبان حکومتی را نیز در دایره غیرخودی قرار میدهند، اقلیتهای ملی نیز بنوبه خود در دایره غیر خودی اصلاح طلبان حکومتی قرار میگیرند

منراد

## پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمنها از کدام راه و با کدام وسیله؟

(قسمت پنجم)

آتونی اسمیت و هابز باوم و رونه یوهاسون معتقد میباشند که زادگاه تاریخی ناسیونالیسم مدرن به این دوران بر میگردد از قول آنان و بسیاری دیگر دولت مدرن و ناسیونالیسم خاستگاه مشترکی دارند.

بورژوازی ملت حاکم در پاره ای از کشورهای سرمایه داری با طرح شعارهایی از قبیل 'همه چیز از آن وطن' و 'یا همه برای صدراعظم' و 'خدا - شاه - میهن' تفکرات شوونیستی ملت حاکم را در اذهان توده ها بسان باورهای ملی گرایانه جایگزین می نمایند. با این شعار فاشیستی از یکطرف طبقه کارگر با فراموش کردن منافع طبقاتی خود در خدمت سیاستهای استیلاجویانه و امپریالیستی بورژوازی ملت حاکم قرار میگیرد و هم اینکه اقلیتهای ملی و مذهبی این کشورها بیش از پیش مورد تضییق و سرکوب قرار می گیرند و محلی برای ارتقای مطالبات ملی و فرهنگی خود و طرح آن در فضایی دمکراتیک نمی یابند و از طرفی دیگر و با گسترش سیاستهای پوپولیستی، دولت متمرکزی بوجود می آید که تدریجا تمامی نهادهای سیاسی و اجتماعی را قبضه می نماید. کشورهای ایتالیا، آلمان و اسپانیا در اروپا و ژاپن در آسیا از نمونه های بارز آن کشورها در آن دوران میباشند.

بورژوازی استیلاگر و ماجراجو برای پیشبرد مطامع غارتگرانه خود به دنبال شکل گیری و ایجاد دولتی متمرکز و مطیع در داخل و هم پیمانی و اتحاد با دولتهای هم سنخ در

بقیه در صفحه بعد

مادی و معنوی انکس به سرانجام رسانید جهان آستان حوادث خونباری بود و کشورهای کاپیتالیستی برای تقسیم جهان و بردن سهم بیشتر از آن مشغول زورآزمایی بوده اند و برای نخستین بار قدرتهای کاپیتالیستی در دو بلوک متخاصم متحدین و متفقین صف آرای می نمایند.

از ویژگیهای آن دوران که در واقع آستانه قرن بیستم میباشد این است که ماشینیسیم و تکنولوژی در مقایسه با امروز هنوز به حد کافی تکامل نیافته بود و قدرتهای صنعتی آن دوران بیش از حد از یکطرف متکی بر نیروی یدی و بازوی کار تولیدکنندگان یعنی طبقه کارگر بوده اند و از طرفی برای سرعت دادن به رشد و تکامل صنعت خود بیش از پیش به بازار مواد خام کشورهای توسعه نیافته و بویژه در افریقا و آسیا و آمریکا نیازمند بوده اند. بنابراین تقسیم جهان و بهره برداری هرچه بیشتر از معادن و مواد خام این کشورها انگیزه ای بود بسیار موثر برای بوجود آمدن جنگهای منطقه ای و جهانی.

قدرتهای سرمایه داری که الیکارشی مالی - صنعتی متمرکز و وسیعی را در کشورهای مطبوعه بوجود آورده بودند برای بکار انداختن ماشین جنگی خود به حمایت گسترده و شرکت فعالانه کارگران و توده ها نیازمند بوده اند و بنابراین تشریق و ایجاد باور در آنان در راستای سیاستهای جنگی استیلا جویانه خود قطعاً بدون ایجاد یک ایدئولوژی تخاصم کرا و تلقین آن در اذهان توده های ملیونی غیرممکن بود.

"برخی از محققان و مکتشفین و از آن جمله

دنباله "چپ ایران و تأثیرات

انقلاب اکتبر در سمت گیری آن"

انقلاب اکتبر و تشکیل اتحاد شوراهای تأثیرات دو سویه ای در اذهان نیروهای چپ ایرانی داشت و در واقع برداشت و تصویری که یک روشنفکر فارس تبار از آن داشت با درک و انتظارات یک روشنفکر ایرانی متعلق به اقلیتهای ملی هرگز یکسان و شبیه هم نبوده است. برای روشنفکران بخش اول که اکثراً متعلق به طبقات تحت ستم بوده اند جذب انقلاب و سوسیالیسم شورایی همانا محور طبقه حاکم و تعدیل مناسبات اجتماعی در ایران بوده است و اما روشنفکران گروه دوم عمدتاً محور ستمهای ملی و حق تعیین سرنوشت ملتها به دست خود را نیز از آن انتظار داشته اند.

تبلیغات و شانتاژهای شوونیستهای فارس نیز که وجود شوروی را همواره چون کاووسی خانمان برانداز و متلاشی کننده برای ایران می دانسته اند خود نیز به توهم آنان بیشتر دامن میزد و بسیاری از روشنفکران چپ ایرانی علیرغم جانبداری از اتحاد شوروی چندان علاقه ای برای پیاده شدن سوسیالیسم بسان اتحاد شوروی با در نظر گرفتن مختصات ملی و منطقه ای آن در ایران نشان نمی داده اند.

سوسیالیسم و پاسخ آن به تنش

های ملی گرایانه در عرصه تاریخ

در دورانی که کارل مارکس کتاب مشهور خود

یعنی "سرمایه" را تدوین کرد و با همکاری

## مطالبات ملی و فرهنگی ...

خارج زمین‌های یورش و تاراج ملت‌های ضعیفتر را تدارک می‌بیند. و بر پایه سیاست جهان‌خواری پوششی بنام "کلنیالیسم" بوجود می‌آید و همانطور که اشارت رفت بدین منظور و برای بلعیدن قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکا کشمکش‌های خونینی مابین بلوک‌های متخاصم و غارتگر شکل می‌گیرد که نهایتاً جنگ‌های جهانی خونین و پر فاجعه اول و دوم را که در آن دهها میلیون انسان بیگناه به هلاکت رسیدند را سبب می‌کند. چرا که از قول این طبقه حریص و جنگ طلب آنچه که مهم بوده است همانا جهانگشایی بوده و بردن سهم بیشتر از غنایم حاصله از آن و بس.

تهاجم و استیلای نظامی - سیاسی استعمارگران در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای استعمارزده تأثیر مستقیم می‌گذارد و به تبع آن حکومت‌های وابسته‌ای شکل می‌گیرد که جز خدمت به غارتگران بین‌المللی و تأمین منافع استراتژیک آنان نقش دیگری نداشته است. در این کشورها نیز شعار "خدا - شاه - میهن" به سیاست روز تبدیل می‌گردد و با طرح آن و تبلیغ ناسیونالیسم دولتی همه اقلیت‌های ملی آن مناطق را به یک چوب و به یک یوغ می‌بندند و با برنامه‌های طرح ریزی شده به استحاله آنها از ارزش‌های ملی و فرهنگی می‌پردازند و بدینوسیله موجبات تهاجم فرهنگ بنجل مصرفی امپریالیستی فراهم می‌کند. حکومت "سلسله پهلوی" که بدنبال کودتای نظامی انگلیس‌ها علیه "قاجارها" رضاخان قزاق را شاه ایران نمود، و تا سقوط پسر تاجدارش نیز شدیداً مورد حمایت امپریالیست‌ها بود نمونه چنین حکومت‌هاست.

بیره کشی و سیاست‌های کلنیالیستی قدرتهای جهان‌خوار کاپیتالیستی هم باعث خیرش طبقه

کارگر و روشنفکران دمکرات و چپ کشورهای متروپل که هوادار اصلاحات اجتماعی در آنجا بوده اند میشود و هم به توبه خود باعث بیداری ملت‌های استعمار زده و تحت ستم در، آسیا و هند و در آفریقا و آمریکای لاتین می‌گردد. رهبری جنبش‌های آزادی بخش را در این دوره در کشورهای مستعمره عمدتاً نیروهای چپ و ملی‌گرایانی که به نوعی برداشت مثبتی از سوسیالیسم داشته‌اند تشکیل می‌دهند.

سوسیالیسم و یا ایده سوسیالیستی هم در کشورهای جهان سوم و هم در کشورهای متروپل غربی به باوری عمومی بدل میشود و حدود یک قرن تمام بسیاری بدون اینکه در عمل و در پراتیک آنرا تجربه کرده باشند چون افسوس نجات بخش آن را یافته و با آب و تاب تمام به دفاع از آن بر می‌خیزند. این سوسیالیسم در برخی از مناطق دنیا که فرهنگ دمکراسی هنوز به صورت نهادی و پایدار در نیامده بود و ملت‌های آنجا برای برپایی جامعه‌ای عاری از تضادها و استثمار طبقاتی و بر پایه ملت‌های برابر حقوق به کار گرفته بودند نه تنها مایه خوشبختی و بهروزی آن جوامع نمی‌گردد و بلکه به دلیل قید شده و به خاطر سایه شوم دیکتاتوری و شکل‌گیری جامعه‌ای با سیاست‌های برنامه ریزی اقتصادی متمرکز و هدایت شونده باعث بحران‌های عمیق و مزمن سیاسی و اجتماعی و سرانجام باعث فروپاشی نظام‌های سیاسی و اقتصادی آن نواحی می‌گردد. از آن میان کشورهای کثیرالمله‌ای چون اتحاد شوروی و یوگسلاوی که تبلیغات گسترده‌ای را در باب برابری و برادری ملت‌ها در سایه سوسیالیسم داشته‌اند نه تنها به برابری و اخوت این ملت‌ها منجر نگردید بلکه برعکس به دلیل حاکم‌کردن زبان و فرهنگ ملت‌های بزرگتر در آنجا اروسای در اتحاد شوروی و صرب‌ها در یوگسلاوی در کنار دیکتاتوری تک حزبی باعث اختلافات و تقابل ملت‌ها با همدیگر از یکطرف و

انفجار و فروپاشی نظام اجتماعی حاکم در آن جوامع می‌گردد.

در برخی از کشورهای وابسته همانند ایران که بر اساس سیاست‌های اسیمیلاستی و سرکوبگرانه شوونیستی حاکم ستم‌های فزاینده‌ای در حق اقلیت‌های ملی اعمال می‌کردید برخی از جریان‌های چپ با وعده سوسیالیسمی مشترک و بدون تبعیض برای خلقها و با دفاع از خواسته‌های ملی و فرهنگی آنان توانستند تأثیرات گسترده‌ای را در روند مبارزاتی اقلیت‌های ملی داشته باشند. در بعضی از مناطق ملی نیز با برجسته کردن خواسته‌های طبقاتی و تمایلات ملی‌گرایانه آنان عملاً رهبری جنبش‌های ملی را نیز بدست می‌آورند و اما بدلیل نداشتن سیاست برنامه‌ای واضح که در برگیرنده خواسته‌های واقعی ملی و فرهنگی دراز مدت آنان باشد در نیمه راه باز مانده‌اند.

برخی جریان‌های چپ نیز از آنجایی که با اعمال هرژمونی حزبی خود مسیر حرکت‌های ملی و دمکراتیک این خلقها را به انحراف کشانیده بودند با بی‌اعتمادی آنان مواجه گردیده و به بن بست می‌رسند.

## مسئله ملی و جریان‌های سیاسی -

### مذهبی در ایران

جریان‌های چپ و بورژوا مارکسیست - لنینیست‌های ایرانی تحت تأثیر اندیشه‌های لنین و نظریات او در مورد حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خود و به ویژه تحت تأثیر مدل اتحاد شوروی که حداقل روی کاغذ هم شده حقوق مشترک و برابر را برای ملت‌های بسیار قائل بود، حرفی برای گفتن داشته‌اند و بنابراین مدل انقلاب سوسیالیستی به سبک شوروی با اشتیاق بی

## نگاهی به نگرش های نو در رابطه با مسئله ملی

در شماره قبل ایل کون" گفته ام "دمکراسی یعنی برابری انسانها". این گفتار نیز بسیار کلی است که بسته به شرایط مشخص جامعه میتواند معانی و تفاسیر متفاوتی داشته باشد. به بیانی دیگر مفهوم و تفسیر هر کدام از مباحث علوم اجتماعی با توجه به شرایط و مشخصات هر جامعه معنی واقعی پیدا می کند.

همانطور که قبلا نیز گفته شد، در جامعه ای مانند ایران امر دمکراسی و مسئله ملی در پیوند و ارتباط تنگاتنگی قرار داشته و از همدیگر تفکیک پذیر نمی باشند. در این رابطه شرط ابتدایی پذیرفتن این امر است که در ایران ملیتهای مختلفی زندگی می کنند و این ملیت ها در مجموع فرهنگ، ادب و تاریخ ایران را بنیاد نهاده اند. ایران متعلق به تنها يك ملیت نیست و بالعکس هیچ ملیتی نیز حق ندارد که ایران را ملك مایمك خود بیندارد. شرط بعدی پذیرفتن این واقعیت است که متأسفانه از زمان آغاز حکومت پهلوی روند تحولات در ایران به نفع سلطه گری يك ملیت بر علیه ملیتهای دیگر پیش رفته است. این روند همراه با سرکوب نظامی، فرهنگی و اقتصادی بوده است و ادامه آن نیز نمیتوانست بدون آن سرکوب ها تداوم یابد. لازمه این سیستم، از آنجایی که نامشروع است، در ناآگاهی زیستن و تحت کنترل پلیسی و امنیتی بودن کل جامعه است. نبایستی تصور کرد که در این گونه سیستم ها فقط به ملیتهای غیرحاکم ستم

میکردد بلکه این چتر استبداد در ابعادی دیگر بر فراز حیات ملی ملت حاکم نیز گسترش پیدا می کند. این شرط لازمه حیات و تداوم اینگونه رژیم ها است. متأسفانه تاکنون چنین بوده است که روشنفکر ملت حاکم که خود بر علیه استبداد رژیم حاکم مبارزه می کند فقط خود را می بیند و در مقابل خود رژیم را. وی، بنا به دلایل فراوانی، سرچشمه این استبداد و دلایل عدم وجود دمکراسی و پلورالیسم در جامعه را در برخی نکات مربوط به دایره محدود خود می بیند و زمانی که حق طلبی ملیتهای تحت ستم مطرح میگردد برای خود زنگ خطر "تجزیه میهن" را، که در طول سالیان زندگی اش همیشه در تبلیغات شنیده، به صدا در می آورد. آن میهنی که به وی در سیستم آموزشی جامعه آنچنانی آموخته شده که متعلق به آن ملت خاص است و وی خود را صاحب بلاشريك میهن میداند. وی به سختی میتواند از این دایره ای که رژیم شوونیستی بر پایه های آموزش فرهنگی و اجتماعی وی بسته، بیرون آید. اما در دنیای کنونی وی می بایستی که از این دایره برون آید. نیک بختی میهن و او در این است.

برخی از روشنفکران و احزاب سیاسی در ایران واقعیت مسئله ملی را قبول ندارند. این افراد و جریانان بانیان و پایه های استبداد و خشونت در ایران هستند. برخی از این نیروها آگاهانه و بعنوان اجزاء، تشکیل دهنده

این سیستم عمل می کنند و برخی دیگر نیز ناآگاهانه تحت تاثیر تبلیغات دروغین در خدمت اهداف سیستم شوونیستی قرار میگیرند. هرچند که آنها برخا بظاهر میخواهند خود را دمکرات نشان دهند ولی این دمکرات شدن آنها مانند عاید شدن گربه است. بخش عمده سلطنت طلبان در زمره این گروه اند.

نیروهای دوم کسانی و یا جریاناتی هستند که وجود مسئله ملی را در حال حاضر قبول دارند ولی دلیل آنرا يك سری عوامل ذهنی و یا توطئه عوامل خارجی میدانند. بنا بر این نظر "وجود گروه های قومی با ویژگیهای مشخص نژادی یا فرهنگی در ایران بیشتر حاصل ذهنیت پردازی محققان است تا يك واقعیت تاریخی" صفحه ۵۲ کتاب قومیت و قوم گرایی در ایران)

این جریانان و یا افراد فقط يك جانب قضیه را می بینند و از پرداختن به واقعیت ها و علل شکل گیری این مسئله در ایران طفره می روند. دکتر احمدی، نویسنده کتاب فوق، معتقد است که تفاوت های زبانی - مذهبی در ایران وجود داشت اما این دیدگاه تا اواسط قرن بیستم باعث سیاسی شدن این تسایرات نشد(صفحه ۱۵۴ کتاب فوق). این تفکر به آن نمی پردازد که چرا و تحت چه شرایطی این تفاوتها سیاسی شدند.

بقیه در صفحه بعد

## نگاهی به نگرش های ...

وی نمیخواهد به این بپردازد که چگونه ملیتهایی که مورد یورش وحشیانه و همه جانبه رژیم پهلوی قرار گرفته بودند تلاش در جهت حفظ بقاء داشتند. آنها با چنگ و دندان در مقابل تلاشها جهت نابودی حیات اجتماعی خود ایستادگی میکردند. این تفکر شیفته ایجاد "حکومت مرکزی مقتدر" و "دولت مدرن" رضاخانی است و مجبور میکرد بسیاری از مسائل ناهنجار جامعه ایران را که حاصل این سیاست بود به خارجی ها نسبت دهد. همانطور که شاه تظاهرات مردم تبریز را به عوامل خارجی که از آنسوی مرزها آمده بودند نسبت داد، آقای دکتر احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، بعنوان نماینده فکری این دیدگاه اجتماعی نسبت به مسئله ملی معتقد است که "مسئله قومیت را از اواسط قرن نوزدهم تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۲۵۷ نیروهای خارجی روسیه، امپراتوری عثمانی و اتحاد شوروی در آذربایجان شکل داده اند." (صفحه ۲۲۵ کتاب قومیت و قوم کرایبی در ایران)

کرو سوم کسانی و یا جریاناتی هستند که بنحوی وجود ستمهای ملی بر ملیتهای مختلف غیرحاکم در ایران را قبول داشته و همانند گروه قبل صحبت از توطئه خارجی نکرده و بخشا آنها نتیجه سیاستهای شوونیستی رژیم های حاکم میدانند. هرچند که در سالهای اخیر در نتیجه تحولات فکری، رضاخان میرپنج، عامل اصلی و بنیانگذار سیستم نابرابری ملی در ایران را

بخاطر ایجاد به اصطلاح "دولت متمرکز و مدرن"، همانند فکری که در گروه دوم برشمردیم، مورد ستایش قرار می دهند. این تفکر در رابطه با مسئله ملی بسیار ضد و نقیض برخورد می کند. به همین خاطر نیز راه حلی هم که ارائه میدهد متناقض با واقعیت های جامعه است. آنها میخواهند که سیستم موجود را با کسی "اصلاحات" حفظ کنند. آنها از زاویه بظاهر بسیار مدرن و متحدانانه نسبت به این قضیه برخورد کرده و با برداشتها و الگوهای از غرب نسبت به مسئله ملی در ایران اظهار نظر می کنند، بدون اینکه وضعیت مشخص جامعه ایران را در نظر بگیرند.

آقای فرخ نگهدار در تعریف خود "برخورداری از حقوق شهروندی" را در نظر گرفته و میگوید هر زمان فکر تعریف ملت بر اساس عنصر شهروندی بیشتر قوت گرفته است و "در ایران حس ملی بر اساس حقوق شهروندی بیشتر قوت گرفته است." (اگر شماره ۲۲۷). آقای امیر ممبینی نیز در همان شماره کار می گوید "سازمان ما واقعا تلاش می کند که در چارچوب دمکراسی و حقوق بشر و با در نظر گرفتن مسائل و مشکلات برای خلقها راهجویی کند." و در ادامه می گوید "مساله اول و مقدم به نظر من تامین برابرحقوقی همگان و برابری همگان در برابر قانون است."

آنها با تعریفی کلاسیک از مسئله ملی و با طرح نظریه های ملت - دولت و یا "دولت - ملت" به این نتیجه میرسند که قومیت و قوم کرایبی و ناسیونالیسم در ایران، آنچنان که از جانب نیروهای ملی مطرح میگردد، بر اساس تعریف ملت - دولت است. یعنی

اینکه تعریف ملت بر اساس عواملی مانند نژاد، تاریخ مشترک، زبان و ... کلا بر اساس عوامل عینی متکی است که مستقل از اراده آزاد انسانها قرار دارد. گفته میشود در این تعریف انسانها همگون و یکسان در نظر گرفته شده و برداشتی رماتیکی از ملت میشود. بر اساس این تعریف می بایستی بر اساس ملتی خالص و همگون از پیش وجود داشته دولتی ساخته شود.

گرایش دوم بر اساس نظریه "دولت - ملت" قرار دارد. در این مفهوم گفته می شود که ملت مجموعه ای از افراد است که بر اساس تمایل به ادامه زندگی مشترک گردهم می آیند و قوانینی مانند حقوق شهروندی و یا مفاد اعلامیه حقوق بشر را در سازماندهی حکومت معیار قرار می دهند. در این تعریف "دولت مدرن و ملی" وظیفه بنیان "ملت" را برعهده دارد و همه انسانها در برابر قانون مساوی الحقوق هستند.

هرکدام از این تفکرها دارای نظریاتی مفصل بوده و اینکه دارای چه نکات مثبت و یا منفی هستند، بحث جداگانه ای دارند. البته تفکراتی نیز وجود دارند که ترکیبی از این نظریه را در خود جای داده اند.

استفاده از تجربیات و تنوریهای جامعه شناسان غربی که در باب مسائل اجتماعی دارای سابقه ای دیرینه هستند امر مثبتی است اما مهتر از آن درک و تبیین شرایط موجود جامعه خود است. در اینصورت میتوان آن نظریات را در مورد بقیه در صفحه بعد



## نگاهی به نگرش های ...

جامعه خود با شرایط مشخص بکار بست. برداشت کلیشه ای و تلاش در جهت کاربرد غیرواقعی آن معضلی از دردهای جامعه را نخواهد کاست، اگر به آن نینفازید.

درک سوم از مسئله ملی که در بالا به آن اشاره شد با برداشتی به اصطلاح نوین از مسئله و ارانه راه حل بر اساس "عناصر شهروندی"، "حقوق بشر" و "تامین برابر حقوقی همگان و برابری همگان در مقابل قانون" در جامعه مشخص ایران میخواید که مسئله ملی را دور بزنند و به بیان ساده تر میخواید آنرا ماستمالی کند.

اعلامیه حقوق بشر حقوق فردی انسانها و عدم تبعیض بر اساس رنگ، زبان، مذهب و غیره را در نظر میگیرد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر از حقوق ملیتهای درون یک کشور به عنوان یک جمع انسانی با ویژگیهای خود سخنی به میان نمی آید. فقط حقوق ملیتهایی که دارای دولت هستند ولی تحت اشغال و یا استعمار هستند در نظر گرفته شده و حق استقلال برای آنها در نظر گرفته میشود.

این تفکر چنین نیست که یکشبه در این رهبران و فعالین چپ ایران پدید آمده باشد. آنها زمانی به تفکر استالینی از مسئله ملی که عوامل عینی را برای تعریف ملت در نظر میگیرد، معتقد بوده و آنرا بعنوان یکی از اصول اعتقادی خود تبلیغ و ترویج میکردند. ولی اکنون بدون سروصدا و بدون اینکه توضیحی بدهند که چه تحولاتی در نگرش آنها به مسئله ملی پدید آمده به یکباره آن

تفکر سابق را به کناری گذاشته و اکنون نیز بدون اینکه دلایل و اعتقادات جدید را توضیحی بدهند مبلغ نظریه جدید میشوند. هرچند این دوستان این دلایل تغییر عقیده خود را در این باب توضیح نیندهند اما با اندکی دقت در دیگر نظرات آنها درباره مسائل تاریخی، اجتماعی و سیاسی ایران میتوان به تغییرات نظری آنها در این عرصه پی برد.

اگر بطور خیلی خلاصه بخواهم بگویم، از نظر آنها، زمانی سرمایه داری و امپریالیسم دشمنان بشریت بودند و رضاشاه را نیز دست نشانده و عامل امپریالیسم می دانستند که در خدمت منافع ملی ایران نمیتوانست قرار بگیرد. به این خاطر رضاخان ضدملی و دولت او هم طبعاً غیرمردمی بود. اما اکنون بر اثر فروپاشی دنیای سوسیالیسم و فروریختن آن آرمانها، بسیاری از معیارها در تفکرات چپ های سابق تغییر کرده است. با معیارهای جدید رضاخان ملی میشود و تلاشهای او در جهت ایجاد دولت مقتدر مرکزی، که قبلاً فقط از جانب سلطنت طلبان و شوونیستهای فارس تبلیغ میشد، مورد تأیید و ستایش قرار میگیرد. این را در بسیاری از نوشتارهای این افراد و جریانات میتوان مشاهده کرد. بنابراین دولت رضاخان "دولت مدرن و مترقی" معرفی میگردد. این گونه است که تعریف از منافع ملی نیز براساس اعتقادات مختلف میتواند متفاوت باشد. اما آنچه هم که در این میان به فراموشی سپرده میشود امر دموکراسی است. طبق این نظر دولت ملی رضاخان می بایستی که "ملت نوین ایران" را بنیاد نهد. رضاخان و یاران وی هرچه که

در توان داشتند در جهت به اصطلاح ایجاد "ملت همگون و یکنواخت ایران" انجام دادند. چه کشتارها و سرکوبها که در جهت این ملت نوین سازی اعمال نمودند. رضاخان ظاهراً دولت نوین و مقتدر مرکزی را بنیاد نهاد ولی به قیمت نابودی دموکراسی و پایمالی حقوق و آزادی انسانهایی که نیکخواستند زبان، فرهنگ و ادب آنها به نفع ملیتی دیگر محو گردد. نظریه "دولت - ملت" دوستان در کشورهای جهان سومی و چند ملیتی، مانند ایران، برخلاف آنچه که در فرانسه و یا آلمان پیش رفت، منجر به سلطه یک ملیت بر علیه ملت های دیگر، تفکر ناسیونالیسم برتر و آموزش آن در اذهان مردم و ایجاد سیستم آموزشی بر اساس آن شده است. اما این دوستان این جنبه بشدت ضددموکراتیک این تحولات را در نظر نگرفته و عمداً آنرا به فراموشی می سپارند و یا اینکه موافق قربانی دموکراسی در بارگاه ایجاد "ملت نوین ایران" هستند. این دیدگاه بدون در نظر گرفتن آنچه که در تاریخ اخیر ایران صورت پذیرفته و بدون اینکه واقعیات جامعه ایران را در نظر بگیرد، میکوشد این معضل بزرگ اجتماعی ایران را بدون اینکه حقوق اجتماعی این ملیت ها تأمین گردد، بر اساس "حقوق شهروندی" و "حقوق فردی" حل کند. همچنین این دیدگاه به ظاهر مدرن به "برابر حقوقی همگانی در مقابل قانون" اشاره می کند ولی کدام قانون؟ آیا ما همه در مقابل قانون برابر هستیم که فارسی حرف بزنیم، چونکه بقیه در صفحه بعد

## نگاهی به نگرش های ...

بعنوان زبان رسمی و مشترك در قانون آورده شده است؟ وقتی که "قانون" حقوق سرکوب شده ملیت های مختلف در ایران را تأمین نمی کند، برابری در مقابل این قانون معنا و مفهومی ندارد. هرچند که تابحال برابری در مقابل این قانون های نوشته شده نیز تأمین نشده است. اگر منظور قانونی است که در آینده نوشته خواهد شد پس اکنون بایستی پایه های نظری و عملی تأمین حقوق این ملیتها بعنوان اجتماعاتی انسانی مشخص شود. اما متأسفانه در خوشبینانه ترین حالت این تفکر معتقد است که در ایران "اقوام و اقلیت ها"ی نیز وجود دارند که می بایستی "حقوق فرهنگی" آنها در نظر گرفته شده و تا حدودی که منافع ملی ایران اجازه میدهد تأمین گردد. در این دیدگاه اطلاق "ملیت" برای این اجتماعات انسانی اصلاً موضوعیت ندارد. این دیدگاه در ادامه اش، در جهت حفظ "منافع ملی ایران" به موضوع "حفظ تمامیت ارضی ایران" میرسد که در آن خاک مقدس و مقدم بر آزادی انسانها است.

صحبت از تأمین حقوق فردی بدون صحبت از حقوق جمعی ملیت ها ره گشای مسئله ملیت ها در ایران نبوده و این معضل را پیچیده تر خواهد کرد.

نظریه هایی که از جانب جامعه شناسان و متخصصین علوم اجتماعی بیان میگردد ناظر بر برخی واقعیت های موجود در جوامع انسانی است. هیچکدام نیز ادعا نمی کنند که صرف یک تنوری مشخص آنها میتواند مشکل کشای معضل اجتماعات چندملیتی

باشد.

در مقابل تعریف ملت بر اساس انسانهایی با تاریخ، زبان، فرهنگ و سرزمین مشترك و بطور کلی نژادی و خونی، تعریف ملت یعنی مجموعه انسانهایی که تمایل به زندگی مشترك دارند مطرح میگردد. در واقعیت اجتماعی مرزی و دیواری آهنین این دو تعریف را از هم جدا نمی کند. ارنتس رنان از بزرگترین متفکران علوم اجتماعی که مدافع نظر دوم در رابطه با مسئله ملت، در عین حال معتقد است که عناصری از تاریخ و میراثهای ادبی و فرهنگی از عوامل تشکیل دهنده يك ملت هستند.

استفاده از دانش علوم اجتماعی دانشمندان خارجی مهم است، اما شناخت مشخصات و سوابق تاریخی ساکنان کشور خود مقدمه برای ارائه راه حل مشکلات جامعه است. بسیاری از روشنفکران و سازمانهای سیاسی در ایران شناخت درستی از واقعیت های جامعه ایران ندارند. آنها از تنوریهای بسیاری از متفکرین جهانی بیشتر مطلع هستند تا از وضعیت جامعه خود. مطالعه و بررسی جامعه شناسی ایران در عرصه های متفاوت آن شرط لازم برای يك سازمان سیاسی ایران است. تنها حضور برخی از روشنفکران ملیت های تحت ستم در این سازمانها و یا احزاب بر آشنایی و درک بیشتر آنها از مسئله ملی نمی افزاید. تعلق به ملتی تحت ستم به خودی خود به معنای درک مسئله و تلاش در جهت آرمانهای ملت خود نمی باشد.

خودآگاهی ملی " یکی از بزرگترین عوامل در پیشبرد منطقی جنبش ملی است. راهیابی و

پیشبرد جنبش ملی هر ملتی نیز در درجه نخست بر عهده نیروهای خود آن ملت خواهد بود. تا وقتی که نیروهای ملتی، که تاکنون حقوق اجتماعی و انسانی وی زیر پا نهاده شده، نتوانند در عرصه فعالیتها و مبارزات سیاسی و اجتماعی فعال شوند، کسی برای آنها نه راهجویی خواهد کرد و نه حق و حقوقی در نظر گرفته خواهد شد. همانطور که اخیراً برخی از فعالین سیاسی سازمانهای چپ ایران معتقد شده اند که "مسئله ملی" فقط در کردستان وجود دارد و در دیگر نقاط ایران مسئله ملی وجود ندارد. درک آنها از "مسئله ملی" یعنی اینکه خواستههای ملی آن ملت در سطح جامعه مطرح گردد. با توجه به این مسائیل وقتی که آقای امیر ممینی میگوید "سازمان ما واقعا تلاش می کند... برای خلقها راهجویی کند" میتواند معنا و مفاهیم بسیاری داشته باشد. اگر آقای ممینی و سازمان وی اعتقادی به وجود این ستم های ملی در ایران داشته باشند، بایستی که اولاً از سیستم تمایل به قدرت متمرکز و واحد که از خصوصیات سیستم های حکومتی ضد دموکراتیک بخصوص در کشورهای جهان سومی مانند ایران جانبداری نکرده و در مقابل از تنوع و چندگانگی در ایران که در خدمت رشد دموکراسی خواهد بود دفاع کنند و ثانیاً بدانند که این خود ملت های تحت ستم خود سرنوشت خود را تصمیم خواهند گرفت.

این گفتار در عین حال بدان معناست که

بقیه در صفحه ۱۸

## به یاد نظری

محبوبی ، هنرمند ملی  
ترکمن

گفتگو با دوتار دنیای  
شیرینی دارد

یاپراق : استاد شما چه کسانی بودند و  
از محضر چه کسانی فیض بردید؟

نظری: در اجرای آواز "چاملان باغشی" معروف  
به "توتورجه" و "خیوه لی باغشی" برای این  
خیوه لی می گفتند که از خیوه به ایران آمده  
بود- اساتید من بودند و نوازندگی دوتار را از  
"سبحان باغشی" آموختم.

یاپراق : در جوانی چه کسانی با شما  
رقابت می کردند؟

نظری : در جوانی با نوازندگان خوبی چون  
"تقان کوچک نژاد"، "آمان قرجه" و مرحوم "دینی  
قولوق" معروف به "دینی کرکزی" و مرحوم  
"تارری باغشی" نشست و برخاست داشتیم و  
باهم خوانندگی و نوازندگی می کردیم.

یاپراق : نوازندگی شما به کدام نوازنده  
شباهت دارد؟

نظری: نوازندگی من بسیار به نوازندگی پدرم  
شباهت دارد، نخست دوتار را خوب یاد گرفتم  
بعد از مهارت در آن به خوانندگی پرداختم.

یاپراق : خلیفه یا استاد کیست و چه  
کسی این لقب را به او می دهد؟

نظری: خلیفه زمانی خلیفه است یا استاد زمانی  
استاد است که مردم هنر ، خلاقیت و نوآوری  
اش را قبول داشته باشند. تراته های او و  
آهنگی که می نوازد از دل برآید و بر دل مردم  
بنشیند. وقتی مردم آن مهارت را در او باور  
کنند خلیفه خطاب خواهند کرد. ولی به هرکس

یاپراق : استاد لطف کنید مختصری  
درباره زندگی خود بگویند؟

نظری : در سال ۱۳۰۸ در روستای "قره قیر"  
در نزدیکی "آق قلا" از طایفه "شیرمحدلی"  
متولد شدم. پدرم "اورکود" و مادرم "آمان  
سلطان" نام داشت، یادم هست در کودکی به  
کنید کوچ کردیم، بعد از ده یا دوازده سال  
اقامت در کنید دو سال در "آق آباد"  
(کسگلانکا) بسر بردیم و از آن زمان تاکنون نیز  
در روستای "چای قوشان" زندگی می کنیم.  
چهار پسر و سه دختر دارم.

یاپراق : استاد در ابتدای راه که دوتار  
آموختید با چه مشکلاتی روبرو بودید؟

نظری : از زمانی که تازه عاشق دوتار و سخت  
شیفته آن شده بودم با ایام سستشاهی رضاشاه  
مصادف بود. بسیار به مردم ستم می کرد، به  
زور و اجبار ما را به بیکاری می برد و سخت  
از ما کار می کشید و ما در زمستان های سرد  
و گرمای تابستان تن به کارهای طاقت فرسا می  
دادیم. اگر تنبلی می کردیم با تازیانه می زدند .  
وقتی که خسته از بیکاری برمی گشتیم دیگر  
نای دوتار زدن را نداشتیم. اما پس از مدتی  
شاه فرار کرد و مردم. بعد کسی اوضاع تغییر  
کرد و از آن به بعد فرصتی پیش آمد تا با  
دوتار همنشین شوم.

با خبر شدیم که استاد نظری محبوبی  
در سن ۷۱ سالگی دار فانی را وداع  
گفته است. آن کدام ترکمن است که در  
ایران و یا در ترکمنستان و جاهای  
دیگر نام او را نشنیده باشد.

دوتار و آواز او متعلق به تاریخ، فرهنگ  
، زبان و بالاخره همه ترکمنهاست.  
وجود او مایه افتخار ما بود و دوتار او  
انعکاس زندگی و رنج و درد مردمش.  
آوازش مرز زمان و مکان را در  
مینوردید.

ما درگذشت این هنرمند بزرگ ملت  
ترکمن را به بازماندگان، دوستان و  
همچنین به همه دوستان مرحوم  
تسلیم می کنیم.

ملت ترکمن یادش را کرامی خواهد  
داشت.

برای آشنایی با زندگی و آثار این  
هنرمند ملی ملت ترکمن مصاحبه او را با  
شاعر، نویسنده و ژورنالیست ترکمن ،  
آقای نازمحمد پقه و آقای امان قلیچ  
شادمهر را که در شماره ۲ و ۳ فصلنامه  
"بین المللی فرهنگی ادبی، اجتماعی  
"یاپراق" انجام گرفته، چاپ می کنیم.

نی شود لقب خلیفه داد اگر چه شاکردان به او خلیفه بگویند.

یاپراق : در ایران کار کدام سازنده را از همه بیشتر دوست دارید؟

نظری : "منصور صبحی" را که از شاکردان پرتلاش و زحمتکش من است بیشتر از همه دوست دارم، آهنگ نواز قابلی است. "دوردی طریک"، "حالت سعادت" همه اینها از دیگر نوازندگان و خوانندگانی هستند که من از کار آنها راضی هستم. از دیگر شاکردان من می توان عاشور محمد کرکزی و عبدالمنان آهنگری نام برد. احتمالاً این نام باید عاشورکلدی کرکزی باشد - ایل کورا

یاپراق : آیا از این حرفه راضی هستید؟

نظری : چرا نباشم . نوازندگی دنیای شیرینی دارد هر کس وارد این دنیا شود نمی تواند به آسانی از آن دل بکند.

یاپراق آیا از فرزندانتان کسی هست که دوتار بزند؟

نظری : بله، دومین فرزندم به نام "عبدالقیوم" دارای استعداد نوازندگی است. او به کار کشاورزی مشغول است. فرزند دیگرم "حکیم" دانش آموز سال اول دبیرستان است و خوب نوازندگی می کند. بی گمان اگر ادامه بدهد نوازنده خوبی خواهد شد و فرزند دیگرم هنوز کوچک است.

یاپراق : از نوازندگان کمانچه چه کسانی شما را همراهی می کنند؟

نظری : اولین ها "دادجیک" و "اراز کلت" بودند. بعد "رحمان قلیچ یودی" و الان هم "یوسف دیبانی" است که واقعا دستش درد نکند، خوب کمانچه می زند.

یاپراق : آیا غیر از دوتار موسیقی دیگری هم یاد دارید؟

نظری: آکاردیون می دانم. در پنج یا شش روز یاد گرفتم. خیلی آسان بود. اما دیدم که هنر اصیل ما دوتار است و در اثر کار کردن با آکاردیون دوتار فراموش می شود، رهاش کردم و با خود گفتم آکاردیون به چه دردم می خورد.

یاپراق : یک باغشی خوب باید چه صفات و خصوصیات داشته باشد؟

نظری: اولین خصوصیت یک باغشی خوب مربوط به هنر اوست. پایه و اساس خوانندگی، نوازندگی است. تا یک باغشی نوازنده خوبی نباشد خواننده خوبی نخواهد بود. آوازهایی که می خواند فراخور شنوندگان آن مجلس باشد و آنقدر خوش سخن و شیرین گفتار باشد تا بتواند مجلس را گرم نماید. انسانی اجتماعی، فروتن و متین باشد. به علم قناعت نکند و هنرش را پیشرفت دهد. از همه مهتر ، شاکردان خوبی تربیت نماید. پاک و با آبرو زندگی کند.

یاپراق : بیشتر روی کدام سبک ها کار می کنید؟

نظری : من به تبعیت از استادم "چالمان باغشی" به سبک خویه بی خوانم. در اجرای آواز به سبک های سوت و کوللان سبک استاد مستحقلی

قارلی و آخال تک (سبک استاد سخی جبار) می خوانم.

یاپراق : سبک خویه ای چگونه است ؟

نظری : خویه لی از بهترین سبک هاست و آهنگ خوش و دلنشین دارد. این سبک در خویه رایج است و توسط چالمان باغشی به ایران آورده شده است.

یاپراق : در مورد اجرای آواز با روایت داستان چه نظری دارید؟

نظری: یکی از شیوه های متداول بین سوت ها و مردمان مرو و سرخس اجرای آواز همراه با روایت داستان است که به خواننده آن "داستان باغشی" می گویند. در بین استادان من ، چالمان باغشی و قلیچ جان باغشی داستان های "گوراوغلی" ، زهره و طاهر" ، "حورلقا همراه" را تعریف می کردند و در هنگام نقل داستان ، اشعارش را به صورت آواز اجرا می کردند. در اواخر عصر قلیچ جان باغشی. هنگام داستان سرایی اش. شعرهایش را من می خواندم. به مرور زمان این شیوه در ایران به غیر از یکی دو مورد امثل حسین باغشی معروف به حسین یتیم) متروک شد و معولاً، باغشی ها به اجرای آواز اکتفا می کنند.

یاپراق : موسیقی ترکمنی در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟ آیا رکود دارد؟ یا در حال ترقی و پیشرفت است و یا نه در حالت ایستایی است؟

نظری : موسیقی ما الآن در حالت ایستایی

بسر می برد. ما باید موسیقی مان را از این حالت دربیآوریم و ترقی کنیم و این ممکن نیست مگر در سایه حمایت مسئولان مربوطه. اگر آنها از اساتید حمایت کنند بی شک این موسیقی رونق خواهد گرفت و به موازات آن هنرآموزان هم حمایت خواهند شد و از استادان خود راضی خواهند بود. علت آنکه استادان شاکردان را ارضاء نمی کنند دلیلش این است که نه حمایت می شوند و نه امکانات دارند و در نوعی سردرگمی بسر می برند.

**یاپراق : موسیقی دانان ایرانی درباره موسیقی ترکمن چه نظری دارند؟**

**نظری:** هنگام اجرای برنامه در جشنواره اساتید موسیقی ایرانی، از انتخاب کواک مناسب، ریتم های جالب، نظم و همنوازی عالی و اجرای تکیه ها و زیورها و زینت ها که در دوتار وجود دارد به وجد می آیند و حقیقتاً تا به امروز نتوانسته اند موسیقی ترکمنی را به کتاب دربیآورند. من شنیده ام که در خیلی از مناطق ایران کار کرده و دستکاه ها و فواصل موسیقی آن مناطق را به کتاب درآورده اند، ولی موسیقی ترکمنی را به لحاظ پیچیدگی هانی که دارد نتوانسته اند به کتاب درآورند. همین را می دانم که موسیقی ما را به عنوان یک موسیقی کامل و پیچیده و دست نخورده می شناسند.

**یاپراق : از دولت و مردم چه انتظاری دارید تا این موسیقی پیشرفت کند؟**

**نظری :** یک برنامه ریزی هدفدار می خواهد که تنها دولت می تواند. دولت و مسئولان باید حمایت کنند. استادان را در مجتمعی مثل خانه فرهنگی جمع کنند، برنامه ریزی انجام دهند و

جوانان هم این هنر را فرا گیرند. اگر این کارهای اصولی صورت گیرد هم وضعیت استادان بهبود می یابد و هم دولت اسلامی گامی در جهت پیشبرد موسیقی محلی برداشته است. حیث است این جوانان علاقتند، بدون امکانات سرکردان باشند. در اینجا از دولتمردان مخصوصاً از مسئولان ارشاد اسلامی کنبه می خواهم که چاره ای بیندیشند.

**یاپراق : از جشنواره هائی که در آن شرکت کردید بگوئید؟**

**نظری:** جشنواره خارجی آوبنیون فرانسه که در آن سال به عنوان جشنواره موسیقی محلی و سنتی تمام مناطق ایران به معرفی انواع موسیقی ایرانی می پرداختند در آن برنامه ما یکی از گروههای استان مازندران بودیم که در برنامه خود نی و خوانندگی با نی، و تک نوازی دوتار، کمانچه، خوانندگی با آن را کنجاندید بودیم که در بین آنها خوانندگی من و تک نوازی شاکردم منصور صبحی بسیار مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از روزنامه های روز بعد پاریس در ستایش از کار ما نوشتند. در ایران به غیر از جشنواره فجر در جشنواره اشعار حماسی و جشنواره آتیه و آواز شرکت کرده ام. چند بار هم در جشنواره هائی که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می شود، شرکت کرده ام.

**یاپراق : اگر خاطره ای از دوران نوازندگی و خوانندگی دارید لطفاً بگوئید؟**

**نظری :** بهترین خاطره من در بندر ترکمن در عروسی ملا مرد نظر نژاد بود. برادر کوچکش

تویجان نظر نژاد که رابطه دوستی باهم داشتیم از من خواست در آن مجلس شرکت کنم. حدود ۲۵ نوازنده در آن شرکت می کردند. مجری برنامه آنه شالی بود. ساعت ۷:۱۵ عصر بود که مجری اعلام کرد این مجلس با مجالس دیگر فرق دارد، می خواهیم نوازندگان و خوانندگان را در رقابتی شرکت دهیم، هر کس حاضر است که از ساعت ۸ شب تا طلوع فردا بنوازد و از دیگران عقب نماند برنده است. ۲۱ نفر اعلام انصراف کردند و سه نفر داوطلب شدند که یکی از آنها من بودم. از ساعت ۸ شب شروع به نوازندگی کردیم. همینطور می نواختیم و می خواندیم. تا اینکه آن دو باغشی نیز ماندند، تا اینکه صبح شد و مردم یا هورا و تشویق، بالاخره مرا ساکت کردند. در اتمام برنامه مسابقه که صبح بود مجری اعلام کرد که چه جایزه ای بدهیم؟ اگر چه این هنر و مهارت شما قابل قیاس با هدیه و جایزه نیست ولی یک چیزی بخواهید، در آن عروسی حدود صد هزار تومان هم بیشتر پول جمع شده بود و ۱۱ قوچ و چارقد و روسری فراوانی هم داده بودند. همه را به من به عنوان جایزه دادند. محبت در جایزه شان نیست، محبت در آن است که آن همه دوست به قدرت و توانایی موسیقی ترکمن پی برده بودند.

**یاپراق :** در خاتمه اگر توصیه ای برای جوانان علاقمند به موسیقی ترکمنی دارید بیان فرمائید؟

**نظری :** اول باید بیایند و خودشان را معرفی کنند. چون ما نمی دانیم که چه کسی علاقتند است و چه کسی علاقتند نیست. وقتی به این خط آمدند تنها با هنرشان کار داشته باشند، و خود را با محیط بیرون آلوده نکنند. پاک و آبرومند زندگی کنند. اخلاص داشته باشند و پشتکار. چون یادگیری دوتار مستلزم اخلاص، پشتکار و حوصله است.

## وحدت ملی در گرو حل مسایل ملی

### مقدمه

ایران مسکن ملل گوناگون است. این ملل ضمن داشتن وجوه تمایز مانند زبان، فرهنگ، آداب و رسوم - وجوه اشتراکی را نیز دارا هستند که زندگی مشترک آنها را در طول تاریخ میسر ساخته است. آنها در سرزمین بهم پیوسته ای قرن‌ها کنار هم زندگی کرده، دردها و رنج‌ها - آرزوها و خواسته‌های مشترکی داشته، اقتصاد واحدی بنا نهاده و با پشتگرمی همدیگر با دشمنان خارجی و ستمگران داخلی مبارزه و ستیزه‌اند و از زاد و بوم خود که ایران نام دارد دفاع کرده‌اند. انکار و عدم توجه به هر یک از این وجوه، ثمره‌ای جز فاجعه و مصیبت برای مردم کشور ما نداشته و نخواهد داشت. در نوشتار حاضر نویسنده زمینه‌های مناسب جهت دستیابی به وحدت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### زمینه‌های شکل‌گیری وحدت ملی

کنون را جای پرسشی است، آیا وحدت ملی ضروری است؟ آری وحدت ملی برای زندگی جامعه، چون هوا برای حیات انسان ضروری است. اما باید گفته شود، که اکنون در کشور ما ایران، نمودارهای روشنی برای وحدت واقعی مشهود نیست. برای وحدت واقعی نمودار و شروط عمده زیر ضروری است.

شرط نخستین، به رسمیت شناختن تکثیر و تنوع هویت‌های ملی و فرهنگی در جامعه به معنای واقعی، هویت‌های ملی و فرهنگی عبارت است از دین، زبان، تاریخ، هنرها، ادبیات، آداب و رسوم و آیین‌های کهن یک ملت که زاینده زمانی بس دراز و دست پرورده نیاکان آن ملت است. از آمیزه این مایه‌ها و پدیده‌های فرهنگی شناسنامه‌ای ملی بوجود می‌آید که در درازای قرن‌ها ساخته و پرداخته و در کوره زمان کداخته شده و چون آلیاژ استوار می‌شود و دوامی جاودانه می‌یابد و در همان حال، وظیفه جدا و متمایز نگاه داشتن ملل را بر عهده دارد.

گفته‌اند کشور همانند یک انسان است با همه ویژگی‌هایش، متولد می‌شود، رشد می‌کند، کمال می‌یابد، کهن می‌گردد و در صورت پیدایش فرسودگی و سستی در ارگان حیات احیاناً می‌میرد. اگر ملل گوناگون یک کشور را به عنوان سلول‌های وجود آن در نظر بگیریم، بی‌تردید ترکیبات اداری ارگان‌های بدن آن کشور است و آنچه از هویت و ملیت می‌شناسیم به منزله روح خواهد بود. بنابر این از آنجا که حفظ حیات ملی دلبستگی اولیه هر ملتی است، این حقیقت مسلم می‌گردد که حیات یک کشور تنها هنگامی حفظ و حراست شدنی است که روح آن سالم نگاه داشته شود.

در حال حاضر که جهان بسوی پذیرش اصل تنوع و تکثر ملی، مذهبی و فرهنگی پیش می‌رود و راهبرد یکپارچگی و یکسان‌سازی ملیت‌ها با توسل به اهرم سرکوب‌گرایی خود را از دست داده است، بسیاری از محققان ما در حال به جای نشان دادن هویت ملی ملل ساکن ایران، به تدریج دچار گرایش‌های ناسیونالیستی در قالب پان‌فارسیسم و پان‌ایرانیسم شده و با پذیرش این نگرش، هویت ملی را تنها در داشتن زبان فارسی و تکلم آن و گاه مذهب شیعه با ترکیبی از مذهب و زبان تلقی نموده و بسیاری از آنها حتی مخالفان اندیشه خود را بعنوان خائنان هویت ملی ایرانی‌ها معرفی نموده و می‌نمایند.

بسیاری از این افراد که نیاگاهانه و گاه دکم‌اندیشانه از مفاهیم فرهنگ‌شناسی و قوم‌شناسی اطلاعات دقیق و عمیق ندارند به تحلیل و تبیین و تحریف تاریخ به میل خود دست می‌زنند و با صحنه‌گذاری بر ملی‌گرایی قومی خاص در قالب پان‌فارسیسم به ملی‌گرایی نوین که مقوله‌ای فرادینی، فرازبانی (نه ضد دین و نه ضد زبان است) است توجه نموده و خواسته یا ناخواسته با سایر فرهنگ‌های مردم

کشور در تعارض قرار گرفته و به اتنوسید و فرهنگ کشی روی می آورند . تلاش در جهت دستیابی به هویت ملی خواست تمامی ملیت ها در تمامی کشور هاست که دارای تکثر ملی و مذهبی و... هستند که بایستی راه حل مناسبی برای آن یافت تا ضمن حفظ هویت های ملی به تقویت وحدت ملی بیانجامد که یکی از پیش زمینه های ایجاد قواعد و ساز و کاری های دموکراسی در هر کشور می باشد . کشورهای دموکراتیک و توسعه یافته غربی بعد از مدت زمانی که گرفتار کشمکشها و جنگهای قومی بودند سرانجام به یک همگونی و یا وحدت ملی در سایه رسمیت یافتن هویت های قومی دست یافته اند .

شرط و عامل دیگر برای دستیابی به وحدت ملی ، طراحی برنامه آموزشی دو زبان در جامعه می باشد . از زبان بعنوان اساسی هر فرهنگ یاد می شود . نخستین کلماتی که از دهان کودک خارج می شود، کلماتی است که از زبان مادر ، پدر و اطرافیان خود آموخته است و آن همان چیزی است که به آن زبان مادری می گویم .

این واقعیتی است عینی و انکار ناپذیر که ترکمن های ترکمنصحرای به هر علل تاریخی یا سایر علل، قرن هاست که به زبان ترکمنی صحبت می کنند و مادران ترکمن به فرزندان خود به این زبان لالایی می گویند ، همه ساکنان آن دیار از پیر و جوان - زن و مرد ، شادی و غم خود را با کلمات این زبان ادا می کنند . به همان زبان از ناموس و شرف خود دفاع می کنند .

به دنبال سیاست ضد ملی که با روی کار آمدن سلسله پهلوی و با جهت دهی استعمارگران شروع شد ضدیت و تلاش برای از بین بردن و تزییف زبان های غیر فارسی در کشور آغاز شد . این سیاست که دارای ماهیت شوونیستی بود ، با حمایت های آشکار حکومت و به دست بعضی روشنفکر نمایان ، تا پایان دوره پهلوی فعال بود . روشنفکر نمایان دوره پهلوی با اتخاذ نگرشی شرق شناسانه نسبت به مسائل ملی ملت های غیر فارس در صدد آسیمیله کردن آنها بر آمدند . امروزه هم کم نیستند کسانی که بر طبل سیاست شوونیستی می کوبند که میگویند زبان فارسی تواناست نیازی به زبان دیگر نیست و یا مثل مصوبه ننگین اخیر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" که در آن زبان های غیر فارسی لهجه اعلام شده است .

حال ببینیم لهجه چه مفهومی دارد ؟ لهجه به معنای شیوه های مختلف سخن گفتن به یک زبان معینی است . در واژه نامه نوین نوشته محمد قریب چنین آمده است : " لهجه شاخه ای از یک زبان ، زبان محلی جدا شده از یک زبان اصلی " . مثلا لهجه فارسی خراسانی و لهجه فارسی شیرازی و لهجه فارسی اصفهانی . به این ترتیب آیا زبان ترکمنی آنطور که "مجمع تشخیص مصلحت نظام" و بسیاری از محققان حامی آن ادعا می کنند ، نیز لهجه ای از زبان فارسی است که در ترکمنصحرای رواج دارد؟

مسئله خیر. زبان ترکمنی زبانی است مستقل که در ترکمنصحرای قریب سه میلیون نفر به آن صحبت میکنند . و حتی امروز نیز پس از دهها سال اعمال فشار برای محو این زبان و جایگزین ساختن آن با زبان فارسی ، اکثریت مردم ترکمنصحرای فقط آن زبان را می فهمند و به آن زبان می توانند خواسته های خود را بیان کنند .

آیا انکار زبان ترکمنی و سایر ملل ساکن جامعه ایران ، توهین به آن ، ممانعت از انتشار کتاب و نشریات ، شعر، فولکلور حتی نوحه به آن زبان ، می تواند موجب ترویج زبان فارسی شود ؟ آیا بودن زبان های دیگر در کنار زبان فارسی توانا، از توانایی آن زبان می گاهد ؟ هرگز!

به گروگان گرفتن فرهنگ سایر ملل جامعه با تصویب طرح های شوونیستی ، جز افزودن گره ای کور بر گره های موجود نخواهد بود و مسلما و از همه مهمتر این گره کور نه فقط وحدت ملی کشور را تامین نمی کند ، بلکه موجب نفاق و نفرت مردم می شود .

باید فهمید و به همگان فهمانید که توانایی ، خوبی و اهمیت زبان فارسی دلیل و مجوز این نیست که مردم ترکمنصحرای یا سایر ملل ساکن ایران را از زبان مادری خود ، که سخن گفتن به آن زبان برایشان طبیعی تر و آسان تر است ، محروم کنیم . چگونه ممکن است یک نفر که مادرش به زبان ترکمنی یک حرف و دو حرف بر زبانش نهاده و به او گفتن آموخته است ، زبان مادری خود را دوست نداشته باشد؟

باید به این نکته بطور اساسی توجه داشت زبان و تبار خاص ( مثلا زبان فارسی و تبار فارسی ) نمی تواند پاسدار هویت و یکپارچگی ملی مردمان کشورمان باشد بلکه ارجح به فرهنگ و زبان اقوام و ملل دیگر است که این وحدت را بوجود می آورد چرا که ثابت شده با تعدد زبان های ملی نمونه سوئیس ملیت دستخوش تزلزل نمی گردد . در کشور سوئیس ، دولت فدرال احترام متقابل را میان ملیت های مختلف تضمین میکند . دیگر اینکه مساله اقلیت ها کمتر مطرح می شود زیرا هر ملیت در عین حال که نسبت به مجموع ملیت های جامعه اقلیت محسوب می شود در کانتون و یا ناحیه خود اکثریت است و در پاره ای اوقات اکثریت به هواخواهی اقلیت برمی خیزد ، مانند زمانی که با کمک اکثریت ، زبان رومانش که زبان اقلیت بسیار کوچکی در سوئیس است به عنوان یکی از زبان های ملی شناخته شد .

جای شبهه نیست که غدغن کردن خواندن و نوشتن به زبان مادری هر ملتی ، جلو گیری از تکامل فرهنگی آن ملت است. به همین لحاظ

ماده سوم اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۹۴۹ در نیویورک منتشر شده، می گوید: " هر دولت موظف است برای افراد خود این حق را به رسمیت بشناسد که به هر زبانی که میل دارند صحبت کنند و آن را بیاموزند".

شرط دیگر برای دستیابی به وحدت ملی، قانون گرایی و عدالت اجتماعی می باشد. این مساله واضح است که همه حقوقی دارند و باید به آن رسیدگی شود. اگر به این مفهوم رسیدیم که همه مردم ایران در برابر قانون برابر و از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ کسی نمی تواند کسی را حذف کند طبیعتی است که وحدت ملی شکل می گیرد.

پس از اعلام نتایج انتخابات برای مجلس ششم در ترکمنستان که با پیش بینی های قبلی آگاهان منطقه همخوانی داشت، برخی از دوستان دوم خردادی در منطقه، ما ترکمن ها را به طایفه بازی، ناسیونالیست، عقب مانده از کاروان اصلاح طلبان متهم کردند. با جرات می توانم ادعا کنم که اقلیت های ملی ساکن ایران از جمله ترکمن ها طبیعتاً از هر اصلاح طلبی اصلاح طلب تر هستند و از دلایل نمادین این ادعا می توان به آرا ۶۲، ۷۰، ۷۷/۵ و ۸۳ درصدی ترکمنستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان به آقای خاتمی، مشارکت فعالانه در انتخابات شورای شهر و مجلس ششم، اقبال قیاس ناپذیر آنان به مطبوعات و جراید اصلاح طلبان در مقابل روزنامه های جناح راست اشاره کرد. اما مهمترین گرایش اقلیت های ملی به اندیشه های اصلاح طلبی، تحمل طولانی، تنگناها و نابرابری و تبعیض در توزیع شرایط، امکانات و پست های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی می باشد.

امروز اصلاح طلبان حرف دل اقلیت های ملی را بر زبان می رانند ( اما در کردار؟! ) که سالها بر دل اینان سنگینی میکرد و امکان بازگویی آنرا نداشتند زیرا اگر کسی در این میان دلخواهی و اصلاح طلبی بر می خاست با چماق ضد انقلابی، ناسیونالیسم و تجزیه طلب روبرو می شد.

مگر شاخصه های اصلاح طلبی جز توسعه سیاسی، مشارکت عموم، مردم سالاری، قانون مداری، شایسته سالاری و آزادی های مطروحه در قانون اساسی است؟ آیا توسعه سیاسی، مشارکت عمومی و مردم سالاری جز خواست قلبی اقلیت های ملی است که در گذشته از مراکز قدرت و تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی رانده شده اند؟ قانون مداری و شایسته سالاری جز حرف دل اینان است که سالیان متمادی چوب روابط به جای ضوابط را خورده اند؟ مگر ترکمن و ... جز اجرای اصول ۱۵، ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی که " آزادی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس آنها در مدارس در کنار زبان فارسی". "برخورداري مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشد از حقوق مساوی و سبب امتیاز نبودن رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها" و "برخورداري همه افراد ملت از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" را تضمین کرده است، چیز دیگری می طلبند؟

اصولاً روند اصلاح طلبی ابتدا از میان توده مردم از جمله اقلیت های ملی بر می خیزد زیرا اینان فشارهای سیاسی و اجتماعی حاکمیت را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. وقتی که این فشارها و مشکلات به مرز بحران رسید زمزمه ای تغییر و اصلاح ریشه می دواند که در نهایت توسط گروهی از روشنفکران علنی میگردد. در واقع روشنفکران اصلاح طلب در این مرحله با مردم همگام می شوند و روند اصلاح طلبی را به یک حرکت سیاسی مبدل می سازند. به عبارتی دیگر اصلاح طلبان خواست درونی مردم را عریان می سازند و با تکیه بر قدرت افکار عمومی می توان خودنمایی و مقابله با محافظه کاران را پیدا می کنند.

بنابر این عدم همگامی اقلیت های ملی که فشارهای مضاعف را متحمل شده اند، به خودی خود از چیز معنا خارج می شود. اینکه اصلاح طلبان تا چه حد بتوانند ا فشار مختلف مردم بخصوص ملیت های مختلف ایرانی را به حمایت از سیاست های خود بکشانند به شناخت جامعه شناسی، مشاوره ها و تحلیل های صحیح و نه احساساتی و روئایی از همه ملل بستگی دارد. اینکه چرا ترکمن ها در ترکمنستان در انتخابات مجلس ششم از کاندیداهای دوم خردادی ها حمایت نکردند و به ترکمن های خود رای دادند به واقعیات و حقایقی مربوط می شود که از نظر دوستان دوم خردادی دورمانده بود، یعنی شناخت کافی از مردم منطقه نداشته اند. این دوستان به این مهم توجه نکرده اند در منطقه سکونت اقلیت های ملی و مذهبی، خواه یا ناخواه برخوردهای فکری و اختلاف سلیقه ها و عقیده هایی وجود دارد و مثل شهرهای یگدست نمی توان با آنها برخورد کرد. البته این اختلافات خود منبث از سالیان سال فشار و ظلم مضاعف و سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن نظام قبلی و تا حدودی نظام کنونی است.

دوم خردادی ها که لفظاً خود را به وحدت ملی پایبند می دانند، هنوز مواضع شفافی در قبال حقوق اقلیت های ملی اتخاذ نکرده اند. مثلاً در قبال تصویب طرح شوونیستی اخیر "مجمع تشخیص نظام" سکوت پیشه کردند. این سکوت جز تایید طرح، معنای دیگری نمی تواند داشته باشد. در کشور ما ظاهراً هنوز سخن گفتن از حقوق و آزادی های قانونی همچون تدریس زبان و ادبیات بومی در کنار زبان فارسی، تشکیل انجمن و احزاب ملی در چارچوب قانون اساسی، آزادی نشر روزنامه به زبان بومی، و ... از نظر بعضی ها خطر کردن به حساب می



آید .

ترکمنصحرا از دیر باز مهد فرهنگ و تمدن ایران بوده ، و بی تردید یکی از مناطق باستان شناسی ایران به شمار می رود که دوره های تمدن و فرهنگهای مختلف را در طی اعمار در درون خویش جای داده است . در گذشته هویت جغرافیایی این منطقه در قالب نامهای جرجان ، گرگان ، استرآباد ، و گرگان و دشت شکل گرفت . هم اکنون نیز برای نابود کردن هویت جغرافیایی این منطقه نام گلستان به جای نام زیبای ترکمنصحرا پا به عرصه وجود نهاده است .

ترکمنصحرا ، این خطه از خاک ایران از پنج استان کشور به نام های ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و همدان وسیع تر است و به تنهایی از ۷۰ کشور جهان بزرگتر بوده ، و با نیمی از مساحت کل کشورهای همچون دانمارک، سوئیس و هلند برابری میکند. مساحت این منطقه با احتساب بخش جرجان ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع و بالغ بر دو میلیون و دویست هزار هکتار می باشد. مناطق اراضی این منطقه تحت کشت بیش حدود ۵۰ نوع محصول کشاورزی قرار دارد و بسیار حاصلخیز است . بخصوص این ناحیه از لحاظ پرورش دام، در ایران بسیار مشهور است .

بدون تردید جامعه ساختاری ما چه به لحاظ سیاسی ، چه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی پراکندگی هایی دارد که این پراکندگی در برخی نقاط در بالاترین حد قرار گرفته است . بطوریکه شهر ها و استانهای ما از نظر امکانات و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مختلف همچون فقر و بیکاری گریبانگیر تعداد زیادی از آنها از جمله ترکمنصحرا هم شده است . استان جدید التاسیس گلستان و با بهتر بگویم ترکمنصحرا ، دارای هفت شهرستان ، ۱۶ بخش ، یک هزار و هفتاد و هشت روستا است . بر اساس سرشماری عمومی ، جمعیت بی سواد استان ۲۸۰ هزار فرد بوده که ۱۰۳ هزار نفر از آنان را مردان تشکیل می دهد .

یکی از نقاط ضعف استان گلستان ، نداشتن مراکز تحقیقاتی قوی در زمینه شیلات گزارش شده است . این در حالی است که این منطقه مهمترین مرکز پرورش و استحصال ماهیان خاویار در کشور است . این استان با بهره مندی از ۶۵۰ هزار هکتار خاک زراعی سالانه یک و نیم میلیون تن انواع محصولات زراعی و باغی را تولید می کند . در این استان ۱۲۳ واحد تولیدی با سرمایه گذاری ۳۶ میلیارد و ۴۵۹ میلیون ریال در زمینه های مختلف غذایی ، شیمیایی ، فلزی و نساجی مشغول فعالیت هستند . کارشناسان محیط زیست نیز معتقدند در آینده ، در صورت عدم کنترل کارخانه هایی نظیر واحدهای پنبه پاک کنی ، تولید آسفالت و حلقه های کوره آجر پزی سنتی که در این استان بسیار دیده می شود ، منابع آلاینده ، هوای شهرهای این استان را با توجه به رشد نرخ جمعیت ، با مشکلات آلودگی روبرو خواهد ساخت .

طبیعتا در زمانی که بتوان با پیاده کردن سیستم حکومت های محلی یا ایلات از طریق واگذاری اختیارات به شهر ها و استانها اقدام کرد و شاهد نظارت عالی و سپردن خط و مشی های کلی به ایلات از سوی حکومت مرکزی باشیم نه تنها در جهت حل مشکلات مناطق مختلف اقدام کرده ایم بلکه با انجام این کار از بار مسائل و مشکلات دولت در جهت گرایش به یک حکومت فدرال کم کرده ایم . علاوه بر این توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی در سطح کشور می تواند در رشد نقاط مختلف موثر باشد . تجربه نشان داده است که شناخت افراد محلی از امکانات منطقه و آشنایی آنان با فرهنگ و آداب و سنن مردم در هماهنگ سازی رشد اقتصادی \_ اجتماعی در تطبیق با نیازها و شرایط منطقه نقشی تعیین کننده ای دارند . عدم پیدایش استان ترکمنصحرا به مرکزیت یکی از شهرستان های ترکمن نشین ، از لحاظ اختصاص بوده ، اختلاف سلیقه ها، برخورد های فکری و غیره ، ما ایرانی ها را در آینده با مشکلات ناگوار روبرو خواهد ساخت .

یکی دیگر از بی عدالتی ها در حق اقلیت های ملی در رابطه با دین آنهاست . هر چند مسلمانان اهل تسنن در ایران به موجب قانون اساسی باید از احترام کامل برخوردار باشند اما دولت نسبت به آنان تبعیض و اجحاف روا می دارد . این نهایت بی عدالتی است که اگر امام جمعه و امام مساجد سنی ها در ترکمنصحرا از سوی شیعه ها انتخاب شود . مدارس و مساجد اهل تسنن در ترکمنصحرا و حتی در سایر نقاط ایران باید از آزادی کامل برخوردار باشد و باید اصحاب مدارس در تعیین مدرسی برای مدرسه خود آزادی داشته باشد و مردم برای آن که چه کسی امامشان در نماز ها باشد آزاد باشند . و مهمتر از همه به مدارس مذهبی اهل تسنن باید قانونیت داده شود .

عدم اعمال عدالت ، عدم توجه به قواعد مطروحه در قوانین ، بسته نگری نسبت به تحولات اجتماعی جامعه و عدم تشریک مساعی مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود را می توان از موانع تامین وحدت ملی و در نهایت امنیت ملی دانست . اگر مردم احساس کنند وجودشان در اجرای امنیت مورد پذیرش حاکمیت است از خود تحرک نشان می دهند در غیر اینصورت با بی تفاوتی و واکنش انفجالی آنان مواجه خواهیم شد .

کوتاه سخن آنکه وحدت ملی و در نهایت امنیت ملی در سایه رفع مسائل ملی تحقق کامل می یابد . مسئولین کشور خصوصا دوم خردادی ها که اینک به بهانه دفاع از شایسته سالاری به سهم خواهی ملت های ساکن جامعه می تازند لازم است توجه داشته باشند که در جوامع

ادامه از صفحه قبل

## وحدت ملی در گرو ...

مردم سالار با هدف توسعه ، تعادل و همدلی ، توجه به سهم ها و نسبت ها ، هم در برنامه های احزاب مطرح است و هم در مصوبات قانونی مانند اولویت استخدام بومیان و گسترش تحصیلات علمی و آموزش های حرفه ای در مناطق محروم . برای اینکه حل اختلاف تنها بصورت تبسم و لبخند و گذشت های صوری و ظاهری نباشد باید بنا را " بر روی سنگ" پدید آورد. این بدان معنا است که برای حل مسایل ضمانتی وجود داشته باشد ، تا در یکی از نیمه شبها و یا سحرگان از هم نگسلد . برای اینکار نیز باید حکومتی که اصل حل اختلافات و وحدت ملی را می پذیرد بر خود مسلط و تحت کنترل محافل اجتماعی ، مطبوعات و پارلمان آزاد باشد . تا زمانی که چنین کنترلی موجود نباشد ، تضمینی وجود نخواهد داشت .

امیدواریم که مجلس ششم بتواند بعنوان مجلسی مستقل به تدوین قوانین مورد نیاز جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی بپردازد .

### موسسی

منبع :

- ۱- کمال الدین ندیمی ، وحدت واقعی و مشارکت اساسی اقوام ، شالوده برنامه ریزی توسعه. روزنامه مشارکت، ۲۵ فروردین ۷۹
- ۲- نگاهی از درون بر انتخابات ۲۹ بهمن گنبد گاوس. امضا محفوظ. روزنامه مشارکت . ۸ اردیبهشت ۷۹
- ۳- پژوهش هایی بر فرهنگ و تمدن مردم گلستان . جلد اول . کمال الدین ندیمی
- ۴- گلستان در یک نگاه ، عبدالرضا خزایی . مشارکت ۱۷ فروردین ۷۹

ادامه از صفحه ۶

## مطالبات ملی و فرهنگی ...

سابقه ای بویژه از جانب اقلیتهای ملی مواجه میگردد و اما جریانات سیاسی - مذهبی در ایران اعم از رژیم اسلامی تا اپوزیسیون هرگز در مخالفت با کرایشات استقلال طلبانه اقلیتهای ملی و در هر شکل و ابعاد آن تردیدی نشان نداده اند .

در مورد مخالفت جریانات مذهبی با استقلال طلبی ملتها میتوان به علت های زیادی اشارت کرد و اما شاید مهمترین مانع در استقبال آنان از طرح حقوق ویژه اقلیتهای ملی در ایران در ایدئولوژی فئاتیک و قشری آنان نهفته باشد . چرا که جریان فکری که به امامت یا ولایت معتقد است و حل و فصل مسائل امروز را با تکیه بر دستنویسهای قدیم می جوید و از فرهنگ دمکراسی امروز فرسنگها فاصله دارد و هیچ تحسلی را در پذیرفتن عقاید دیگر اندیشان ندارد هرگز نمیتواند به وجود جامعه ای با مختصات پلورالیستی و یا اتحادیه ای و شاید هم فدراتیو رضایت بدهد .

جریانات سیاسی - مذهبی داخل اپوزیسیون نیز تا به امروز دیدگاه روشنی را در مورد چند ملیتی بوده ایران و از آن میان حق و حقوق اقلیتهای ملی از خود ارانه نداده اند و بنظر نیرسد که از آنچنان پتانسیل دمکراتیک و به ویژه در مورد پذیرش حقوق اقلیتهای ملی برخوردار باشند .

ادامه دارد ...

بحث ما به درازا کشید و قطعا خوانندگان این نشریه انتظار دارند تا مطلب حاضر جمع بندی کرده و بدین خاطر هرچند پرداختن به این مقوله، بسیار حساس و تاریخساز به بررسی و مطالعه میسر و همه جانبه تری جار دارد. ح الوصف تلاش بر این است تا در شماره بعدی مطلب حاضر خلاصه وار فریوله گردد.

کوکلی

## اولین سمینار اورتوگرافی زبان آذربایجان

اولین سمینار اورتوگرافی زبان ترکی آذری در روزهای ۲۶ و ۲۷ خرداد ۱۳۷۹ در فرهنگسرای شفق تهران برگزار گردیده و با صدور قطعنامه ای به کار خود پایان داد. این سمینار در نوع خود از ارزش بالایی برخوردار بود.

در این سمینار مقالات علمی و ارزشمند گوناگونی در مورد خط و الفباء زبان ترکی توسط استادان این عرصه همانند دکتر جواد هینت ، دکتر محمد علی فرزانه، دکتر حسین فیض الهی، ابراهیم رفرف و بسیاری دیگر ارائه شد. همچنین در این سمینار تاریخ زبان ترکی و مشکلات نوشتاری کنونی مورد بررسی و نقد قرار گرفت. این برای نخستین بار است که یک سمینار علمی گسترده با شرکت آکادمیسین های زبان ترکی و با بحث های منسجم برگزار می گردد.

در تشکیل این سمینار بسیاری از نشریات محلی مانند وارلیق، نوید آذربایجان، امید زنجان، شمس تبریز و ... سهم بسزایی داشتند.

ادامه از صفحه ۱۰

## نگاهی به نگرش های ...

حل این مسئله در ایران با همکاری و مبارزه مشترک تمامی تشکلهای و احزاب مناطق ملی و احزاب سراسری که معتقد به دمکراسی و عدالت اجتماعی هستند، میسر خواهد بود

"راهجویی" سازمانهای چپ و نقش و رابطه تاکنونی آنها در جنبشهای ملی را سعی خواهم کرد در شماره آینده "اپیل کون" بیشتر مورد بحث قرار دهم.

منراد

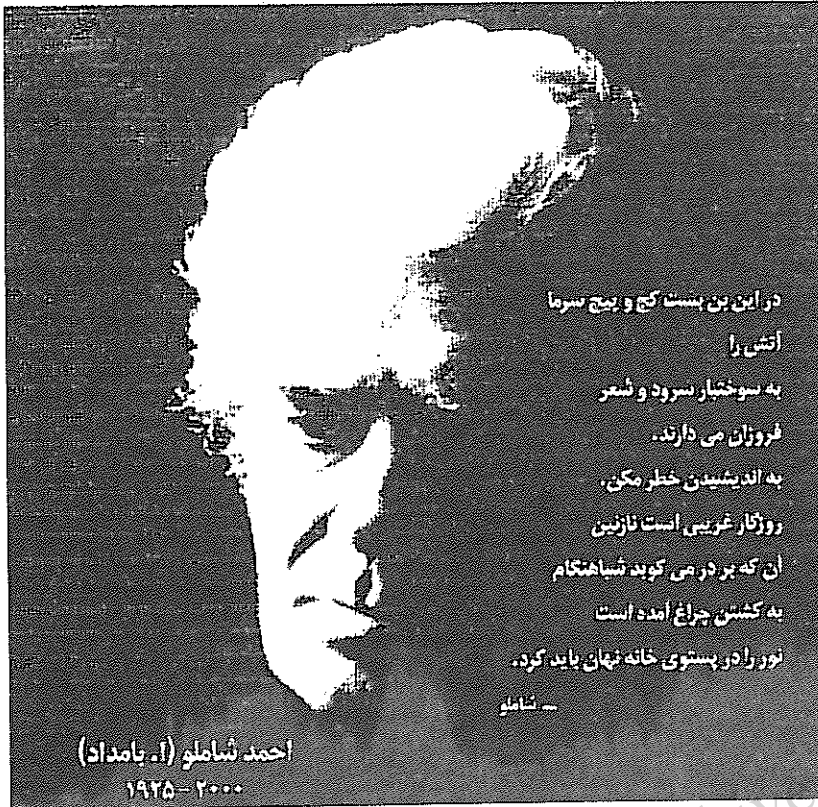
## بدرود شاملو، شاعر

### مبارز

احمد شاملو، اندیشمند بزرگ، شاعر جاودان ایران شب ۲ مرداد ۱۳۷۹ در سن ۷۵ سالگی حیات را بدرود گفت. شاملو بیش از نیم قرن برای آزادی اندیشه، برای عدالت اجتماعی و دمکراسی مبارزه کرد. وی شاعر، مترجم و ادیب بزرگی بود. از جمله کارهای مطبوعاتی وی انتشار "مجله خوشه"، "کتاب هفته" و "کتاب جمعه" بودند. وی مترجم توانایی نیز بود. "دن آرام" اثر شولوخف و بسیاری آثار دیگر را به فارسی ترجمه کرده است.

شعرهای بسیاری از شاملو بجا مانده است که همه آنها نشانگر روح و اندیشه این شاعر بزرگ در مبارزه برعلیه بی عدالتی های جامعه بوده است. وی نه در زمان شاه و نه در زمان جمهوری اسلامی در مقابل قدرت مداران سر فرود نیاورده و صدای رسای اعتراضش بر علیه آنها در قالب شعرهای ظنین افکن است. وی به آرمانهای انسانی بسیار پایدار بود.

شاملو از درخشانترین ستارگان ادب و هنر جهان معاصر بود. وی در ۲۰ سال گذشته عملاً در تبعید و تحریم بسر برد. صحبت از وی در روزنامه ها و مجلات قدغن بود. وی در طی این سالها نیز با اشعار خود مبارزه بی امانی را با خفقان موجود به پیش برد. بدین خاطر بود که رژیم جمهوری اسلامی مانع چاپ کامل مجموعه "کتاب کوچه" وی گردید.



در این بن بست کج و بیج سرما  
آتش را  
به سوختار سرود و شعر  
فروزان می دارند.  
به اندیشیدن خطر مکن،  
روزگار غریبی است نازنین  
آن که بر دو می گوید شایانگام  
به کشش چراغ آمده است  
نور را در پستوی خانه نهان باید کرد.

— شاملو

احمد شاملو (ا. بامداد)  
۱۹۲۸-۲۰۰۰

دختر ترکمن از زره جامه خود بشکوفد،  
دوشادوش مرد خویش زندگی کند و بازوان  
فواره نی اش را در رقص شکرانه  
کامکاری بر افرازد. (نشریه جنگ باران ۱۳۴۶)  
هرچند شاعر از جانب دستگاه مطبوعاتی  
رژیم تحریم شده بود، اما مراسم تشییع  
جنزه وی با حضور بیش از ده هزار نفر  
از دستداران وی بخصوص جوانان برگزار  
گردید. دسته گل بزرگی روی اتومبیل  
حامل پیکر وی با نوشته "خورشید من  
فرو خفت" از همسرش آیدا سرکیسیان قرار  
داشت.  
پیکر احمد شاملو در امامزاده طاهر کرج  
به خاک سپرده شد.

یادش گرامی باد

شاملو در مورد شعرش "از زخم قلب آمان  
جان" و در مورد ترکمن ها می گوید: من  
این شعر را بیش از دیگر اشعارم دوست  
دارم. هیچ می دانید که این شعر عملاً  
قسمتی از زندگی من است؟ من ترکمن ها  
را بیش از ملت و نژادی دوست دارم. نمی  
دانم چرا. و مدت های دراز در میان آنان  
زندگی کرده ام، از بندرشاه تا اشترک. شب  
های بسیار در آلاچیق های شما خفته ام و  
روزهای درازی را در اوبه ها، میان سگ ها،  
کلاه پوستی ها، نگاههای متجسس بدبین،  
دشتهای پر همهمه سرسبز و بی انتها، زنان  
خاموش اسرارآمیز و رنگ های تند لباس ها  
و روسری هایشان، ارابه ها و اسب های  
مغرور گردنکش به سر برده ام.

آمان جان، جان خود را در این سودا نهاد  
که صحرا، از فقر و سکوت رهایی یابد،

## وضعیت ترکمن های عراق

برای توجه افکار عمومی به وضعیت دشوار و وخیم ترکمن های عراق، که جمعیتی بالغ بر دو و نیم میلیون نفر می باشند، تظاهراتی در آنکارا و واشنگتن برگزار کردند. دکتر مصطفی ضیاء، نماینده جبهه ترکمن های عراق در ترکیه، خواهان تامین امنیت جانی ترکمن های عراق شد. وی می گوید:

همزمان با تلاش رژیم صدام حسین برای جایگزینی اعراب در مناطق ترکمن نشین، نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق نیز اخیراً تهاجمات خود علیه ترکمن ها، در شمال عراق را آغاز کرده اند. نیروهای بارزانی در تهاجم خود به دفتر جبهه ترکمن های عراقی دو تن را کشته و سه تن دیگر را بشدت زخمی کردند، سیاست هسوری رژیم بغداد و نیروهای بارزانی، حذف ترکمن ها از صحنه سیاسی عراق و کنار گذاشتن ترکمن ها در تحولات شمال عراق است.

ترکمن ها در تظاهرات خود علیه کشورهای آمریکا و انگلیس شمار می دادند و از این کشورها که پس از بحران خلیج فارس کنترل شمال عراق را به دست گرفته اند، خواستند، تامین امنیت جانی ترکمن های عراقی را بر عهده گیرند.

در کشور عراق ۲۰ درصد ترکمن ها در مناطق شمال کشور، تحت کنترل گروههای کرد بسر می برند و ۸۰ درصد آنان در مناطق تحت کنترل رژیم صدام قرار دارد.

خلاصه ای از گزارش نشریه "شمس تبریز"

## بابک قهرمان ملی آذربایجان در یادها زنده شد

قلعه بابک و شهرستان کلیبر در سالروز میلاد بابک خرمدین، رهبر سرخ جامگان پذیرای نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از علاقمندان به این شخصیت تاریخ ساز ایران و آذربایجان بود.

گزارش خبرنگار اعزامی حاکی است که آذربایجانی های علاقمند از اقصی نقاط کشور در محل اردوگاه تاریخی قلعه بابک و آبادی های اطراف تجمع کرده و در همان شب مراسم تجلیل از بابک قهرمان و سلحشور را به اجرا درآوردند.

در این مراسم که در بعضی از نقاط تا پاسی از شب و نزدیکی های سحر ادامه داشت هنرمندان آذربایجان در قالب گروههای چند نفری به جشن و پایکوبی پرداخته و در این اثنا با ذکر سخنانی پرده از زندگی جوانمردانه بابک بر می داشتند.

بابک خرمدین در آذربایجان زاده شد و از همان سال های جوانی به دلیل مبارزات بی امانش با استیلای اعراب و سپاه متجاوز خلیفه عباسی به فرماندهی سپاه مردمی برکزیده شد و ۲۲ سال با آنان به مقابله پرداخت. بابک در نهایت به دلیل خیانت یغنی از یازان بدست افشین اسیر شده و به دستور خلیفه عباسی با قصاص و حشایشه ای کشته شد. از همان زمان تاکنون نام بابک توأم با تکریم و احترام ذکر می شود و مردم او را یک قهرمان ملی و اسطوره می دانند. گزارش خبرنگار ما حاکی است که مراسم تجلیل از این

قهرمان با شرکت صدها هزار نفر از مردم اسم از پیر و جوان و زن و مرد در قلعه پرشکوه بابک ادامه یافت و تعدادی از عاشیق های هنرمند آذربایجان با حضور در اطراف قلعه با سرودن اشعار زیبایی خود یاد و خاطره دلآوری ها و جانفشانی های او را گرامی داشتند.

شایان ذکر است که میهمانانی از جمهوری آذربایجان و ترکیه نیز با حضور در بین مردم و قلعه بابک مراتب همراهی خود را با علاقمندان به این شخصیت تاریخی را اعلام کردند.

در حاشیه مراسم تجلیل از بابک با توجه به ازدحام بیش از حد جمعیت که به گفته اهالی بومی منطقه برای اولین بار در تاریخ معاصر با چنین جمعیتی مواجه شده بودند، امکانات موجود در محل اردوگاه قلعه بابک جوابگوی دوستداران و علاقمندان نبود. بطوریکه برای تهیه یک ظرف آب یک ساعت وقت صرف می شد.

نیروی انتظامی مستقر در کلیبر ضمن بازرسی خودروهای شخصی و عمومی که از اقصی نقاط برای شرکت در مراسم به آنجا می آمدند، آلات موسیقی آنها را ضبط می کردند که این عمل، مردم و بخصوص هنرمندان آذربایجانی را سخت آزاده بود و در برگزاری مراسم تجلیل از بابک مشکلاتی به بار آورد.

علیرغم تجسس نیروی انتظامی منطقه تعدادی از گروههای هنری با استقرار در نقاط مختلف منطقه جنگی قلعه بابک قطعه های ادبی از موسیقی اصیل آذربایجانی را به اجرا در آوردند که بسیار مورد توجه شرکت کنندگان در برنامه قرار گرفتند.

هنکاری اهالی محلی و بومی منطقه کلیبر با میهمانان قلعه بابک خیلی صمیمانه بوده و حضور فراوان مردم در آنجا آنان را نیز به شرکت در مراسم ترغیب کرده بود. بطوریکه شهرستان کلیبر در روز مراسم خالی از سکنه کشته و اکثر مغازه ها تعطیل بود.

## اعتراف خاتمی به وجود ملیت های مختلف در ایران

برای نخستین بار یک مقام بلند پایه ایرانی، ریس جمهور کشور، آقای خاتمی به وجود ملیت های مختلف در ایران اعتراف کرد. وی در دیدارش از کردستان می گوید:

"کرد، لر، بلوچ و ترک ... بخشی از ملت ایران است."

انکار وجود ملیت های مختلف در کشور ایران نه تنها از طریق تبلیغات وسیع رسانه های گروهی ایران و حتی احزاب مخالف رژیم از سلطنت طلب ها گرفته تا جمهوری خواهان و برخی گروههای چپ انجام می گرفت و می گیرد، بلکه از سوی بسیاری از نخبگان جامعه نیز طرح می گردد.

آنها معتقدند که در کشور ایران تنها یک ملت و یک زبان با لهجه ها و گویش های مختلف وجود دارد و وجود و ماهیت ملیت های ساکن ایران واقعیت ندارد. بسیاری از آنها آگاهانه ملیت های ایران را انکار می کنند و برخی از آنها با این ادعای پوچ که طرح ایران چند ملیتی از هم کسستگی کشور را بدنبال می آورد نظرات خود را توجیح می کنند.

واقعیت این است که در کشور ایران ملیت های ساکن کشور که در ادوار مختلف تاریخ جز فشار و زور از طرف حکومت مرکزی چیزی را ندیدند، اینبار به حرف های آقای خاتمی با تعجب نگاه می کنند.

جدی بودن طرح این قضیه را زمان نشان خواهد داد. و ما به دور از هر پیش داوری آن را به فال نیک می گیریم.

برای ملیت های ساکن کشور اهمیت این امر بسیار مهم است. زیرا آنها برای اولین بار از زبان یک مقام رسمی و صاحب منصب می شنوند که ایران کشوری چند ملیتی است.

### نمایندگان اقلیت ملی در مجلس ششم فراکسیون های خود را تشکیل دادند

بدنبال دیدار خاتمی از کردستان و پذیرش وجود ملت کرد و اهمیت دادن به زبان و تاریخ این ملت و ملیت های دیگر فراکسیونی از نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. این فراکسیون در بیانیه ای حمله ارتش ترکیه به مناطق کرد نشین شمال عراق را محکوم کردند. نمایندگان کرد بنا به گزارش خبرگزاری ایرنا "عدم رعایت حقوق قانونی و شرعی کردهای مقیم ترکیه و نفی هویت فرهنگی آنها و نهایتاً نقض آشکار حقوق بشر و سرکوب نظامی و پلیسی این مردم شریف و غیور" را در بیانیه خود خاطر نشان کردند.

نمایندگان کرد به اصطلاح معروف به در گفتند تا دیوار بشنود و هدف اصلی ایشان جمهوری اسلامی است که در لفاف طرح سرکوب کردها از سوی کشور ترکیه، کردهای ایران و سرکوب آنها را از سوی جمهوری اسلامی طرح می کنند.

تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد اقدامی بسیار شجاعانه و درست است که بایستی از سوی نمایندگان دیگر ملیت های ساکن ایران حمایت شود و با این فراکسیون همکاری نزدیک داشته باشند. زیرا این اقدام گامی است در جهت دستیابی به احقاق اقلیت های ملی ساکن ایران و اقدامی است سیاسی.

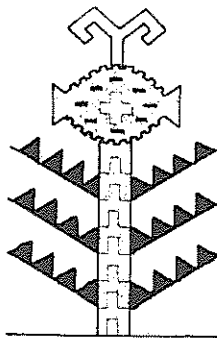
فراکسیون نمایندگان کرد می تواند سرمشقی برای نمایندگان اقلیت های ملی بشود و آنها نیز فراکسیون خود را تشکیل دهند و با همکاری فراکسیون های دیگر در تصمیم گیری مجلس برای دستیابی به حقوق خود تلاش کنند. از جمله چهارچوب فعالیت ایشان می تواند:

- ایجاد تشکل های سیاسی و ملی اقلیت ها
- چاپ نشریات به زبان مادری
- اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر استفاده از زبان های محلی در مدارس

مجمع نمایندگان آذری نیز در راستای تشکیل خود اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی را در دستور کار قرار داد.

متأسفانه ترکمنصحرا بنا به دلایل تقسیمات نا عادلانه استانی و کشوری از چنین امکانی برخوردار نیست. و در نتیجه نماینده فارس از برخی از مناطق ترکمنصحرا به مجلس راه یافتند. برای مثال از شهر آق قلا آقای قندهاری به مجلس راه یافت.

علیرغم برخوردار نبودن از فراکسیون، نمایندگان ترکمن در مجلس ششم می توانند با "فراکسیون نمایندگان کرد" و "مجمع نمایندگان آذری" همکاری و همکاری نزدیک داشته باشند.



kelle 42. L-9 kelle

# اخبصار

# ترکمنصحرا

خشکسالی ترکمنصحرا را  
نیز فرا گرفت

استراددا افغانی های مقیم  
ترکمنصحرا به افغانستان

بازسازی و مرمت آرامگاه شاعران  
کلاسیک ترکمن در ترکمنصحرا

میزان بارندگی در ترکمنصحرا تاکنون به کمترین حد خود رسیده است. از اول بهار در برخی نقاط ترکمنصحرا حتی یک قطره باران نیز نباریده است و کشاورزان ترکمن نه تنها از طبیعت می نالند، بلکه از سیاست و بی برنامهگی دولت نیز می رنجند. کشاورزان با قرض و وام از دولت، اسال دست به کشت زدند و هم اکنون خشکسالی کربانگیر آنها شده است.

آنها نه تنها نمی توانند وام دریافتی خود را بپردازند، بلکه از بدست آوردن قوت لایبوت نیز عاجزند. کشاورزان ترکمن خواستارند که دولت مخصوصاً به کشاورزان متضرر فرصت بازپرداخت وامهایشان را بدهد.

دولت جمهوری اسلامی نه تنها کشاورزان را بیسه نکرده، بلکه حمایت خود را نیز از کشاورزان "خشکی زده" دریغ می کند. دولت برای محصولات کشاورزان قیمت کمی تعیین می کند، در حالیکه قیمت ماشین آلات را بالا می برد و به جای حمایت از محصولات داخلی و کشاورزان از دلان حمایت می کند و بجای خرید محصولات داخل از خارج وارد می کنند. ادامه این سیاست به اقتصاد کشور و بخصوص به اقشار پایین و متوسط جامعه فشار خواهد آورد.

بنا به ادعای رییس دفتر اتباع خارجی استانداری گلستان، افغانی های ترکمنصحرا باید در طی ۶ ماه منطقه را ترک کنند. میر فندرسکی رییس دفتر اتباع خارجی می گوید که با توجه به طرح دولت که با موافقت کیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان انجام می گیرد، افغانی ها بایستی تا ۲۰ مهر ماه ایران را ترک کنند در غیر اینصورت اقامت آنها بصورت غیر قانونی خواهد بود. به هر افغانی که داوطلبانه برگردد، مبلغی معادل ۱۰ دلار پول افغانی پرداخت می شود.

فعالیت گمرک سرخس شبانه روزی  
شد

کسرات سرخس بهترین کسرات مرزی ایران و جمهوری ترکمنستان است که در نتیجه افزایش روابط اقتصادی ایران با آسیای میانه شبانه روزی شد. هم اکنون ترکمنستان و ایران در چهار نقطه مرزی، کسرات مشترک دارند: لطف آباد، اینچه برون در ترکمنصحرا، باجگیران و سرخس در خراسان. بیش از ۸۰ درصد مبادلات تجاری، دو کشور از قبیل واردات و صادرات کالا، ترانزیت و تردد مسافر از طریق کسرات سرخس انجام می گیرد. سال گذشته ۱۲۰ میلیون دلار کالا میان ایران و ترکمنستان مبادله شده است.

قرار است از سوی دانشجویان ترکمن در دانشگاههای بزرگ ایران مراسم یادبودی برای شاعر کلاسیک ترکمن مسکین قلیچ برگزار شود. در ترکمنصحرا علاوه بر آرامگاه شاعر ملی ترکمن مختومقلی، آرامگاههای مسکین قلیچ و سیدی خوجه نیز قرار دارد که هر یک از آنها میعادگاه عاشقان شعر و ادب کلاسیک ترکمن می باشد. مردم و بویژه جوانان، اندیشمندان و روشنفکران ترکمن وظیفه خود می دانند که در یافتن هویت خود به بزرگداشت مراسم یادبود این شاعران ملی بپردازند. آنها از اینطریق علاوه بر شناساندن این شاعران و نویسندگان آن را وسیله ای برای زنده نگهداشتن زبان و فرهنگ و بالاخره هویت خود می دانند. جمهوری اسلامی ایران قدمی در مرمت و بازسازی آرامگاه شاعران کلاسیک ترکمن مسکین قلیچ و سیدی خوجه برداشته و هیچ کسکی به مرمت آنها نمی کند. آرامگاه مسکین قلیچ حتی سنگ نبشته هم ندارد.

قبر مسکین قلیچ بالای تپه ای قرار دارد که تبدیل به چراگاه احشام شده و روز به روز از ذهن مردم ترکمن زده می شد که به هست جوانان ادب دوست ترکمنصحرا حتی برای اولین بار مراسمی در سر مزار او برگزار شد. مسکین قلیچ که خود وصیت کرده بود او را بر فراز تپه ای به خاک بسپارند تا مردم او را باز یابند اکنون به آرزوی رسید و مردم دوباره او را یافتند و پادش را کرامی داشتند.

بلای طبیعی کرد و غبار در ترکمنصحرا

بنا به گفته کارشناس هواشناسی استان گلستان بر اساس استقرار یک سیستم پرفشار بسته بر روی صحرای ترکمنستان، کرد و غبار شهرهای شمال ایران و از جمله اسان ترکمنصحرا را فرا گرفت و کاهش دید مردم را در پی داشت. سرعت وزش باد توأم با کرد و غبار حداکثر ۲۵ کیلومتر در ساعت اعلام شده و کاهش دمای حداقل ۱۲ درجه سانتی گراد را بدنبال داشته است. وزش این باد توأم با کرد و غبار بنا به گزارش خبرگزاری ایرنا سبب کندی حرکت اتوموبیل ها بویژه در ساعات اولیه روز شده و تمامی سطوح درختان، معابر و منازل شهروندان را پوشیده از خاک کرده است.

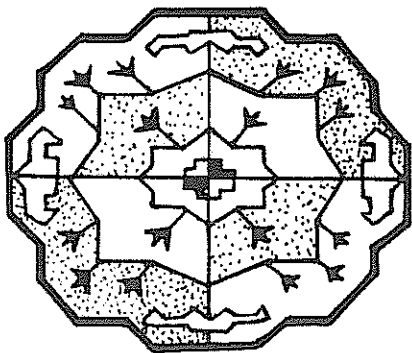
اظهارات مشاور رئیس جمهوری در امور اهل سنت در سنندج درباره "اقوام" ایرانی

شیخ الاسلامی مشاور رئیس جمهوری ایران در مورد اهل سنت در سنندج اعلام کرد: "در سال های اخیر به هست رئیس جمهوری و تأیید رهبری فضای بازی در زمینه آزادی بیان و قلم و تشکیل احزاب در چهار چوب قانون اساسی فراهم شده و امیدواریم که همه اقوام ایرانی بخصوص مردم کرد از آن بهره مند شوند." وی همچنین می گوید: "کردستان پاره تن ایران است و هرگز از میهن فاصله نمی گیرد و به همین دلیل کردها اول ایرانی بعد کرد و بعد مسلمان هستند."

بازهم صیاد جوانی در بندر ترکمن (سواحل خزر) به قتل رسید

جوانان ترکمن که از درد بیکاری به شهر های بزرگ ایران مهاجرت می کنند و یا به کشور ترکیه برای امرار معاش می روند هیچگونه اسکان کار و اشتغالی ندارند و سبجورند گاه به گاه دست به "صید قاچاق" بزنند. ماموران دولت که برای صادرات خاویار خزر دست به هر جنایت هولناک می زنند، اینبار نیز یکی از این نوجوانان را برای هراساندن دیگران بی رحمانه به قتل رساندند. این نوجوان عبدالرزاق نام دارد و اهل روستای چاپاقلی از توابع بندرترکمن است. این نوجوان برای اولین بار به صید می رود و از آنجا که تجربه ای در برخورد با ماموران نداشته نمی تواند به موقع از زورق خود پلین بیاید و فایق موتوری مامورین این نوجوان را در داخل آب لت و پار می کند طوریکه دل و روده او بیرون ریخته و در آب شناور می شود.

باشنیدن قتل فجیعانه این نوجوان، هسکلای های او در دبیرستان مختومقلی برای او کریستند. قاتل هنوز آزاد است و هنوز خبری از دستگیری او نیست و هنوز خانواده مقتول از چند و چون قضایا خبری ندارند. اهالی بندر ترکمن از ناینده خود عظیم کل خواستار شدند که قاتل یا قاتلین به سزای اعمال خود برسند.



tasar, no. XLIV-1-3 tekke gol

روزنامه های ترکیه:

یک ترکمن ایرانی در ترکیه هواپیما ساخت

یک دانشجوی جوان ترکمن به نام بهزاد صنعتی اهل بندر ترکمن هواپیمای مدل ناشونده ساخت که در یک چسبان قابل حمل است. این دانشجو با تشویق یکی از استادان دانشگاه در رشته فنی مهندسی و هواپیماسازی، فعالیت می کرد. این جوان ترکمن در یکی از دانشگاههای درجه یک ترکیه بنام "یلدیز تکنیک" تحصیل می کند. این هواپیمای مدل، با سیستم کنترل از راه دور حرکت می کند. بنا به گفته سازنده، قرار است این هواپیما در آینده برای مقاصد نظامی و اطفاء حریق بکار گرفته شود.

تور مسافرتی "اسرار ماغتیم قولی"

یکی از شرکت های دولتی ترکمنستان به نام "عشق آباد سیاحتی" اخیراً تور مسافرتی ۲ روزه ای را در راستای شناخت ماغتیم قولی دایر کرده است که در آن دوستداران شاعر ملی ترکمن شرکت می کنند. توریست ها در طی این ۲ روز از راهپانی که ماغتیم قولی پیسوده و مکان های که زندگی کرده دیدار خواهند کرد. در پایان توریست ها وارد ترکمنصحرا می شوند و از شهرهای ترکمنصحرا از جمله کنبد کاووس دیدار می کنند و روانه اق توقای می شوند و از آرامگاه شاعر کبیر ترکمن دیدار خواهند کرد.

فرماندار سابق کنبند کاووس و  
کاندید نماینده مجلس ششم از  
کنبند دو نفر را کشت



### استاد نور محمد متقی در گذشت

علی مزیدی ، دکترای اقتصاد ، فرماندار سابق کنبند که در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با اختلاف ۲ هزار رای بازنده شد. برای تامین هزینه های تبلیغاتی اش مقروض شده بود ، تصمیم می گیرد با دعوت از از دو نفر پزشک و مقام مسئول در جمهوری اسلامی اخاذی کند که در جریان این کار آنها را به قتل می رساند .

مزیدی در جریان بازجویی می گوید:

وقتی برای دور ششم مجلس شورای اسلامی از شهرستان کنبند کاووس نامزد شدم به سرمایه زیادی برای انتخابات و تبلیغات احتیاج داشتم و ناچار زیر بار قرض رفتم. اما هنگامی که با ۲ هزار رای کمتر در انتخابات شکست خوردم و طلب کارها با چک های برگشتی به سراغم آمدند راهی جز فرار نداشتم ، به تهران آمدم و خانه ای در کیشا کرایه کردم و و خانواده ام را در آنجا پنهان نمودم . ولی طلبکاران محل زندگی ام را پیدا کردند . در این زمان تصمیم گرفتم که افراد پولدار را به خانه ام بکشانم و پس از دریافت ۲۰ میلیون تومان آنها را از بین ببرم و در اجرای همین برنامه دکتر شریعتی و دکتر آیین را به خانه ام بردم و آنها را به قتل رساندم در حالیکه هیچ پولی با این کار بدست نیآوردم . دکتر آیین استاد جراحی دانشکده پزشکی بود که در عین حال ریاست بیمارستان طالقانی را نیز به عهده داشت . او درمانگاهی در خیابان کیشای تهران را نیز اداره می کرد .

دکتر جواد تربتی رجانی مدیر عامل شرکت نایق های رطوبتی ایران بود .

بنا به نوشته مطبوعات ایران :  
استان گلستان دومین تولید کننده  
کندم در ایران

خرید کندم مازاد بر مصرف کشاورزان استان گلستان تا کنون به ۶۴۰ تن رسید. کندم کشاورزان این استان از سوی سازمان تعاون روستایی و شرکت خدمات حمایتی سازمان کشاورزی و اداره کل غله استان خریداری شده و کار خرید همچنان ادامه دارد.

### آب تالاب های ترکمنصحرا بالا آمد

کنبند کاووس - رییس اداره حفاظت محیط زیست کنبند گفت: بارش های اخیر استان گلستان و شمال خراسان موجب جاری شدن آب در رودخانه اترک شده و در نتیجه آب سه تالاب بین المللی "الاکول" ۱۵ ساتی متر، "آلا کول" ۸ ساتی متر و "آجی کول" به مقدار ۲۰ ساتی متر افزایش داشته است. تالاب های ترکمنصحرا زیستگاه پرندگان مهاجر است که از شمال سیبری مهاجرت می کنند.

این سه تالاب که در ترکمنصحرا واقع است در مجبوع ۲۰۲۷ هکتار وسعت دارند و در ۷۰ کیلومتری شمال کنبند و در شهر داشلی برون قرار گرفته اند، این تالاب ها علاوه بر دریافت آبهای سطحی ناشی از بارندگیها ، از رودخانه اترک که در نوار مرزی ایران ادرترکمنصحرا و ترکمنستان نیز آبگیری می شوند، رودخانه اترک یک رودخانه فصلی است و معمولا در صورت نبود بارندگی اواسط اردیبهشت تا اواسط پاییز خشک می شود.

استاد نور محمد متقی که عمر خود را برای جمع آوری لغات ترکمنی فرهنگ سینا و سلیم گذراند در سن ۷۶ سالگی در کنبند درگذشت. استاد متقی در سال ۱۳۰۰ هجری شمس در کومیش دغه بدینا آمد و تا دوران متوسط تحصیل خود را در شهر کنبند گذراند و پس از تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرکان کار عملی را آغاز کرد.

او جزو اولین کسانی است که در دایر کردن دبیرستان های کنبند کوشا بود.

استاد متقی در عرصه زبان و ادبیات ترکمن و استاد نظری محجوبی در عرصه هنر و موسیقی دو ستون از پایه های محکم فرهنگ ملت ترکمن در ایران بودند که جای آنها به این زودی پر نخواهد شد.

خدمت این دو انسان شریف به فرهنگ و هنر ملت خویش کرانبهاست و نسل های آینده ترکمن با افتخار از آنها یاد خواهند کرد.



۱۹۰ کیلو تریاک در کنبد کشف

شد

اعتیاد به مواد مخدر در ترکمنصحرا افزایش یافته است. بخصوص استعمال و مصرف مواد افیونی در مجالس عروسی و یا مراسم های دیگر رواج و گسترش یافته، و اکنون یکی از وظائف داماد در عروسی ها پذیرانی از مهمانان خود با مواد مخدر است. این امر به علت دسترسی و ارزان بودن این مواد در ترکمنصحرا است. ما در هر يك از شماره های نشریه گزارش های کشف مواد مخدر را نوشته ایم که خود فقط گوشه ای از این گزارشات است برای مثال مسئول ناحیه انتظامی گلستان (شال ایران) اعلام کرد که ماموران منطقه انتظامی شهرستان کنبد موفق شدند در حین کنترل خودروهای عبوری در یک جاده فرعی ۱۹۰ کیلو گرم تریاک را از یک دستگاه وانت لندکروز کشف و ضبط کنند. پیش از آن نیز فرمانده ناحیه انتظامی شمال ایران در مصاحبه ای با ایرنا اعلام کرده بود که در طی ۴ ماه بیش از ۲ هزار و ۲۱ کیلو از انواع مواد مخدر از ۹۹۴ قاچاقچی کشف و ضبط شده است و از این مقدار ۲ هزار و ۵۷ کیلو مواد مخدر فقط توسط نیروهای انتظامی کنبد کشف شده است.

بخشی از اطلاعیه جامعه سوارکاران

شهرستان کنبد

جامعه سوارکاری شهرستان کنبد کاووس در طی اطلاعیه ای که در نشریات محلی نیز به چاپ رسیده، به سیاست های غلط از جمله به افزایش قیمت ورودی از ۲۰۰۰ ریال به ۴۰۰۰ ریال و همچنین قیمت ثبت نام اسب ها از ۲۰۰۰۰۰ ریال به ۷۰۰۰۰۰ ریال اعتراض کرده و از آن به عنوان ظلم و زورگویی نام برده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: " پاسخ این همه ظلم و زورگویی را چه کسی می دهد؟ آیا افزایش قیمت ها خودسرانه انجام می گیرد یا کسی دستور می دهد ... درآمد حاصل از مسابقات به کدام حساب واریز می شود؟ چون در کنبد بابت درآمد مسابقات اسب دوانی کنبد شماره حسابی در هیچ بانکی باز نشده است. آیا یک مسئول می تواند درآمد یک مجبوعه دولتی را تنها با یک امضاء و یا آنطوری که دلش می خواهد در حساب شخصی خود واریز کند؟

زلزله شهر کرگان و حومه را

لرزاند

زمین لرزه ای به قدرت چهار میز نه درجه ریشتر کرگان و حوزه آن را لرزاند. بنا به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران زمان وقوع این زلزله را ۲۶ ماه اوت ساعت ۱۷ و ۲۳ (به وقت محلی) دقیقه اعلام کرده است.

خوشبختانه این زمین لرزه خسارتی بر جای ن گذاشته و هیچگونه تلفات جانی نیز گزارش داده نشده.

نشریات محلی ترکمنصحرا

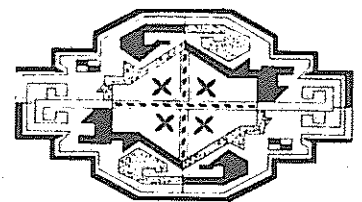
ماهنامه صحرا اکنون بیشتر از دو سال از عمر خود را پشت سر گذاشته و به یکی از نشریات وزین محلی تبدیل شده است. در این نشریه دست اندرکاران روشنفکر ترکمن سعی می کنند تا گوشه ای از محرومیت ها و دردهای ترکمنصحرا را بازتاب دهند. جمهوری اسلامی که اجازه انتشار نشریه ترکمنی نمی دهد تاکنون وجود این نشریه را تحمل کرده است.

انتشار این نشریه در تاریخ ترکمن های ایران از دو جهت اهمیت دارد. نخست اینکه توانسته است از بدگمانی حاکمیت جمهوری اسلامی نسبت به روشنفکران ترکمن پس از جنگ کنبد بکاهد. اهمیت دیگر این نشریه در این است که ترکمن ها از این طریق توانستند برخی از مشاهیر و شاعران خود را در ایران بشناسند و به غیر ترکمن ها بشناسانند.

موفقیت "صحرا" در آینده بستگی به حفظ استقلال و عدم دنباله روی این نشریه از جناح های حاکم دارد.

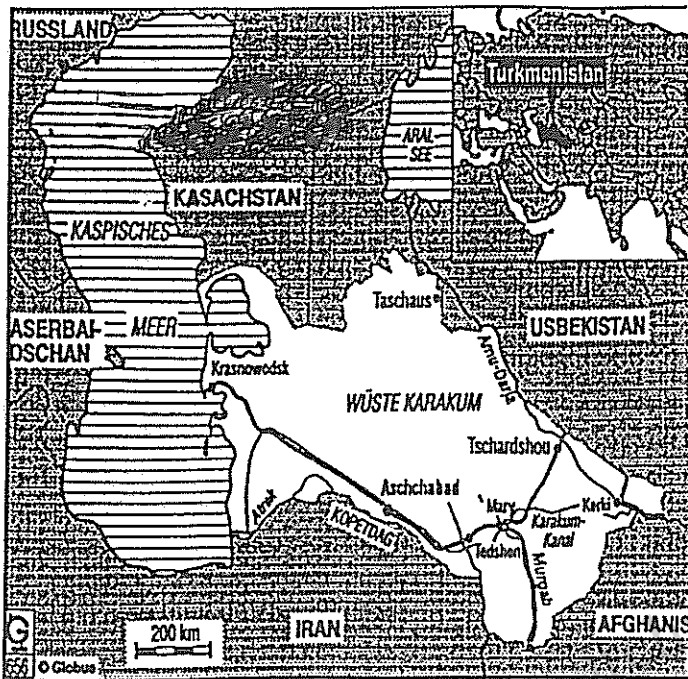
فصلنامه بین المللی یاپراق نیز برای اولین بار همزمان با "صحرا" چاپ شد که از استقبال مردم ترکمن برخوردار بود. یاپراق نشریه ای است فرهنگی و ادبی که بیشتر به زبان و ادب ترکمن می پردازد.

فصلنامه فراغی نیز یکی از نشریاتی است که اخیراً در ترکمنصحرا از سوی روشنفکران ترکمن چاپ می شود. این فصلنامه نیز علیرغم اینکه خود را نشریه ای فرهنگی ادبی و هنری اجتماعی می داند، همچون یاپراق حتی یک مطلب بزبان ترکمنی ندارد.



sarik got 11.

# اخبار حوزه دریای خزر



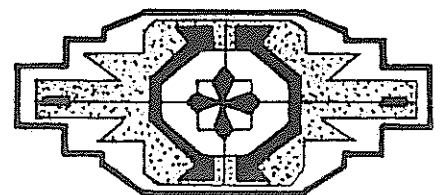
## مرک خوک های دریایی در سواحل خزر

در میان خوک های دریایی دریای خزر بسیاری واگیردار بنام "پاستریلاژ" شیوع یافته و باعث مرگ بیش از ده هزار خوک دریایی شده است. این بسیاری چند ماه پیش از یک جزیره در جنوب شهر آتروا در ساحل دریای خزر در کشور قزاقستان آغاز شده است. کارشناسان از مرگ خوک های دریایی به عنوان فاجعه زیست محیطی یاد کرده اند.

دانشندان انگلیس، روس و قزاق علت ابتلای خوک های دریایی به این بسیاری را کاهش مقاومت بدن خوک های دریایی در مقابل آلودگی آب دریا دانستند.

لازم به یادآوری است که مرگ خوک های دریایی اولین فاجعه زیست محیطی در خزر نیست، سال گذشته نیز در جزیره آبشاران واقع در جمهوری آذربایجان ۶ هزار خوک دریایی تلف شدند.

بنا به گفته کارشناسان امور دریای خزر ۵۰۰ هزار خوک دریایی در خزر زیست می کنند که پیوسته در حرکتند و همین امر می تواند به شیوع بسیاری آنها کمک کند.



## ترکیه یک فروند کشتی جنگی به جمهوری آذربایجان داد

بنا به گزارش خبرگزاری غیر رسمی "آذر پرس" ترکیه یک فروند کشتی جنگی به جمهوری آذربایجان تحویل داد.

این اقدام ترکیه بر اساس تفاهم نامه همکاری های نظامی منعقد بین دو کشور صورت می گیرد. این کشتی بزودی از طریق کانال "ولگا دن" روسیه به جمهوری آذربایجان منتقل می شود. در این ناو جنگی ۲۸ ملوان جمهوری آذربایجان و دو نفر از مشاوران وزارت دفاع ترکیه مشغول خدمت خواهند شد. جمهوری آذربایجان دارای بزرگترین ناوگان نظامی در دریای خزر است.

## قراردادهای نفتی آذربایجان

رییس شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان، میزان ذخایر پیش بینی شده در این مناطق را یک صد میلیارد تن اعلام کرد و افزود، این منطقه از لحاظ ذخایر انرژی مقام دوم جهان را بعد از خاورمیانه دارد.

بنا به گفته این مقام آذربایجانی جمهوری آذربایجان تاکنون ۱۹ قرارداد بین المللی با ۲۲ شرکت ۱۵ کشور خارجی منعقد کرده است که پیش بینی می شود با اجرای این قراردادها ۶۰ میلیارد دلار در صنعت نفت این کشور سرمایه گذاری شود. وی می گوید از سال ۱۹۹۵ تاکنون سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در صنعت نفت این کشور سرمایه گذاری شده است. هم اکنون روزانه ۱۱۵ هزار بشکه نفت با همکاری شرکت های خارجی از حوزه نفتی چراغ استخراج می شود.

## کاهش صید ماهیان خاویاری

میزان صید ماهیان خاویاری بنا به گفته معاون کسیون دولتی ماهیگیری روسیه در فصل صید جاری به ۲۲۰ تن کاهش یافته است. سهمیه تعیین شده در این فصل ۵۶۰ تن در نظر گرفته شده بود که حتی به نیمی از سهمیه تعیین شده نیز نرسید.

موسسات پرورش ماهی روسیه قادر خواهند بود در طی سال جاری ۲۵ میلیون قطعه استروژن و ماهی اوزون برون پرورش دهند که این میزان در مقایسه با سال گذشته ۴۰ درصد کاهش نشان می دهد. بنا به ادعای کارشناسان روسی باید در سال جاری بیش از ۳۰ درصد از میزان صید در تمامی این دریا کاسته شود.

قیمت کنونی خاویار در بازار هم اکنون کرمی یک دلار است.

## یک پرفسور آلمانی می گوید:

## جنگل های خزری جزو جنگل های بی نظیر جهان است

پرفسور ویلهلم، رییس بخش انسان و طبیعت در وزارت جنگل و محیط زیست آلمان که در همایش "البرز" در ایران شرکت کرده در مصاحبه مطبوعاتی با ایرنا می گوید، بهترین طریقه حفاظت از سیستم های طبیعی، بالا بردن سطح شناخت و دانش مردم است.

وی مشارکت مردم را ستون اصلی حفاظت از طبیعت دانسته و می گوید: "این مساله در آلمان از اهمیت والایی برخوردار است و تشکل های غیر دولتی متعددی با حدود ۲ میلیون عضو، در این زمینه فعالیت دارند.

## تقسیم خزر

کشورهای ساحلی حوزه خزر با گذشت سالیان متضادی وضعیت حقوقی دریای خزر را روشن نکرده اند. تا زمانی که مساله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر حل نشود، قرارداد بین المللی حفاظت محیط زیست دریای خزر منعقد نخواهد شد. این قرارداد که پیش نویس آن در سال

۱۹۹۵ تنظیم شده بود، ۵ کشور ساحلی خزر را موظف می کند که روش های واحدی را برای حفاظت از محیط زیست این دریا در نظر بگیرند. این کشورها موظف خواهند شد، از دریای خزر تنها برای مقاصد صلح جویانه استفاده کنند و ضمن جلوگیری از آلوده شدن آب های این دریا، نظارت دانی نیز نسبت به آن انجام دهند. در این میان رقابت برای صدور ذخایر زیر زمینی و تقاطع منافع ملی کشورهای ساحلی حوزه خزر مانع شده است، وضعیت

حقوقی خزر روشن شود. در حال حاضر بنا به ادعای نشریات چاپ آذربایجان چهار کشور ساحلی دریای خزر از تقسیم این دریا به بخش های ملی پشتیبانی می کنند، ولی ایران تقسیم دریا به قسمت های مساوی را پیشنهاد می دهد.

بنا به نوشته ایرنا نشریات آذربایجان طرح ایران را فاقد وجهه حقوقی و سیاسی ارزیابی می کنند. رئیس جمهور روسیه نماینده ویژه ای را در امور دریای خزر تعیین کرد. ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه پوتین در اولین روزهای انتخاب خود به

کشورهای ساحلی خزر رفت تا پیشنهادات روسی را به مقامات کشورهای ساحلی اعلام کند. نماینده پوتین تقسیم مساوی دریای خزر بین کشورهای ساحلی را پیشنهاد غیر قابل قبول اعلام کرده و می گوید این امر به ثبات منطقه لطمه می زند و سیستم اقتصادی این دریا را که از دهها سال

قبل جریان دارد به هم می زند.

## آذربایجان مرز دریایی خود را علامت گذاری کرد

بنا به گزارش ایرنا، جمهوری آذربایجان بدون اطلاع ایران مرزهای دریایی خود ادر مجاورت ایران را علامت گذاری کرده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در گزارش خود در اینسورد می نویسد:

به دنبال تحریرات اخیر اکتون دو فروند شناور نظامی متعلق به ایران در حدود ۵ کیلومتری خط عبود بر مرز زمینی و مقابل شهر آستارا در حال حرکت هستند و به گفته یک مقام ارشد سیاسی شناورهای نظامی بیشتری نیز به منطقه وارد خواهند شد. در دنباله این گزارش می خوانیم:

"جعفر عطایی، معاون امور مرزی فرمانداری آستارا وقوع علامت گذاری مرزی توسط جمهوری آذربایجان را تأیید کرد و گفت، این اقدام بدون اطلاع رسانی قبلی مرزبانان ایرانی اتفاق افتاده است و هدف این اقدام مشخص نیست، اما نیروهای آذربایجانی پس از این اقدام به عقب آب های ساحلی خود عقب نشستند. عطایی گفت، نیروهای مرزبان جمهوری اسلامی ایران در منطقه حضوری فعال دارند و تمام شناورهای طرف مقابل به عقب آب های خودشان بازگشته اند. بدنبال این گزارش یک دریادار ترک ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران نیروهای خود را در مرز با جمهوری آذربایجان متمرکز کرده است. این امر از سوی مقامات ایران تکذیب شد. نزدیکی آذربایجان به ترکیه و نهایتاً به عضویت درآمدن آذربایجان در پیمان نظامی ناتو مسلماً مورد تأیید مسکو و تهران قرار نخواهد گرفت.

# اخبار آسیای میانه

## بن بست روابط قرقیزستان و قزاقستان

قرقیزستان جریان انتقال آب زراعی خود به جنوب قزاقستان را قطع کرد.

مناسبات اقتصادی قرقیزستان و قزاقستان بنا به گفته معاون اول نخست وزیر این کشور به بن بست رسیده است. بر اساس قرارداد‌های منعقد شده قرار بود قزاقستان در مقابل انتقال آب و انرژی از قرقیزستان ۳۶۲ هزار تن ذغال سنگ به این کشور تحویل دهد اما تاکنون تنها ۱۳۴ هزار تن تحویل داده است. بنا به گفته این مقام بلند پایه قرقیز ، قزاقستان نیز از حرکت یک قطار و چند کامیون قرقیزستان از خاک این کشور جلوگیری کرده است. مقام های قزاق خواهان پرداخت حق عبور کامیون های قرقیز شدند .

بنا به ادعای قرقیزها این اقدام قزاقستان خلاف عرف بین المللی و توافق بین دو کشور است ا بر اساس توافق دو کشور ، سالانه سه هزار دستگاه کامیون می توانند از کشور قرقیزستان بدون پرداخت وجه از خاک قزاقستان عبور کنند و خواهان مقابله به مثل ادارات کمرک و پلیس راه با کامیون های قزاقستانی شدند .

وی تاکید می کند که مسولان قرقیزستان بیش از این اجازه توهمین و برخورد های غیر اصولی را به دیگران نخواهد داد .

## ۴۴ هزار نامه مردم علیه رشوه خواری

ریس جمهور ترکمنستان در جلسه وزرای این کشور نسبت به اخذ رشوه در ادارات دولتی هشدار داد .

بنا به نوشته مطبوعات ترکمنستان ، نیازف در طول چند روز، بیش از ۴۴ هزار نامه از مردم دریافت کرده است که در آن مردم از رشوه خواری در ادارت دولتی شکایت کرده اند .

## جمهوری اسلامی ایران کتب دینی بزبان ترکمنی چاپ و در ترکمنستان پخش می کند

انتشارات الهدی که یک انتشاراتی بین المللی است و با بودجه دولت جمهوری اسلامی تامین می کرده، کتابهای مذهبی به زبان های مختلف بویژه پس از فروپاشی شوروی به زبان های جمهوری های سابق آسیای ترجمه می کند. انتشارات مزبور اخیراً کتب فارسی در زمینه های مختلف به کتابخانه های ترکمنستان اهدا کرده است. نماینده این انتشارات غیر انتفاعی در عشق آباد می گوید:

این انتشارات در بیان مردم قران، احادیث تربیت از پیامبر و روزه و نماز به زبان ترکمنی پخش شده که از استقبال بسیار خوبی برخوردار بوده است.

## آتش جنگ "افراطیون" دوباره در ازبکستان شعله ور شد

درگیری چریک های مسلح حرکت اسلامی ازبکستان با نیروهای نظامی این کشور در مرزهای ازبکستان ادامه دارد. بنا به گزارش مطبوعات محلی ، یک گروه ۷۰ نفری از نیروهای حرکت اسلامی ازبکستان به رهبری جمعه بای ننگانی با نیروهای دولتی ازبکستان در استان سرخان دریا درگیر شدند که در نتیجه ۲ روستا به تصرف شورشیان درآمد. این منطقه که در مثلث مرزهای افغانستان، تاجیکستان و افغانستان قرار دارد، به چریک ها این امکان را می دهد که نیروهای خود را به نقاط مختلف انتقال دهند. کشورهای مجاور از جمله قزاقستان و قرقیزستان برای کمک به نیروهای نظامی ازبکستان اعلام آمادگی کردند .

شورشیان ازبک که از سوی دولت ازبکستان به عنوان تروریست شناخته می شوند بنا به ادعای مقامات رسی ازبکستان از سوی طالبان حمایت می شود .

### ایغورها خواهان خودمختاری هستند

یک گروه از اویغورهای قرقیزستان به رهبری "سازمان رهایی اویغور" در این کشور دست به شورش زدند. اویغورها که در قرقیزستان، چین و قزاقستان زندگی می کنند، خواستار نوعی خودمختاری هستند. روزنامه های قرقیزستان متهم می کنند که این سازمان یک گروه تروریستی است و عملیات تروریستی انجام می دهد. بنا به ادعای وزیر کشور قرقیزستان این گروه اخیراً رهبر اویغورهای قرقیز را که از همکاری با آنها امتناع کرده بود به قتل رساندند.

### انتقال برق ترکمنستان به افغانستان

وزارت انرژی و صنایع ترکمنستان در حال احداث یک خط انتقال برق به طول ۱۲۰ کیلومتر از استان ماری (مرو) "سرحد آباد" به استان های هرات و بلخ در افغانستان است. بنا به نوشته مطبوعات ترکمنستان، هم اکنون کار نصب کابل ها و تجهیزات این پروژه در دست اقدام است.

با ایجاد یک ایستگاه برق در منطقه هرات و نصب ۱۲ دستگاه ترانسفورماتور، روستاهای در طول مسیر نیز به شبکه برق می پیوندند. تامین هزینه این طرح را ترکمنستان به عهده گرفته است.

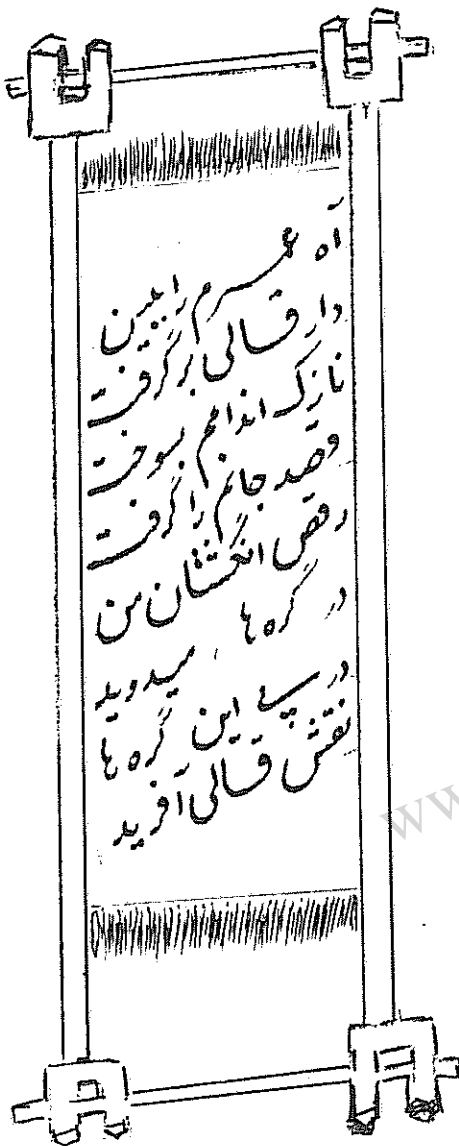
### فقر در جمهوری آذربایجان

بنا به گزارش آذربرس جمهوری آذربایجان، بیش از ۶۱ درصد از اهالی جمهوری آذربایجان زیر خط فقر زندگی می کند و این کشور از این نظر حتی از بسیاری کشورهای آفریقایی نیز عقب تر است.

خبرگزاری آذربرس با استناد به گزارش بانک جهانی اضافه می کند که جمهوری آذربایجان از حیث فقر و تهیدستی اهالی، ردیف اول را در میان ۱۲۲ کشور جهان به خود اختصاص داده است.

رئیس نمایندگی بانک جهانی، توفیق یاپراک در باکو نیز از افزایش فقر اهالی این کشور در آینده خبر می دهد و علت آن را وضعیت بحرانی اقتصاد عنوان کرده است. وی می گوید، درآمد حاصله از فروش نفت مرکز نمی تواند در رفع این مشکل موثر باشد و اگر دولت به اقدامات اساسی و ضروری نپردازد، این کشور همچنان به عنوان کشوری فقیر باقی خواهد ماند.

جمعیت آذربایجان نیز بنا به گزارش "کمیته آمار دولتی" از مرز ۸ میلیون نفر گذشته است. بنا به گزارش این کمیته بیش از ۵۱ درصد جمعیت کشور در شهر ها و ۴۹ درصد از اهالی در روستاهای کشور زندگی می کنند.



ایوب گزنی

۲۹/۶/۰۰

**Dostuň hatyna jogap!****Hormatly Ýüsiüp ,**

Siziň IL-GÜN neşriyesine, üstünlik arzuwlap, ýazan iki sany hatyňyzy aldyk. IL-GÜN neşriyesini şeýle dykgat bilen okaýanlygyňyza köp minnetdar. Ýazan hatlaryňyz, siziň işleriňizde ykjamlygyňyzy görkezýär

Ikinji hatyňyzda, neşriýäniň kemçilikleri barada gürrüň açypsyňyz. Size „Sag boluň“ aýdyp, pikirleriňizi we görkezmeleriňizi ýerinde peýdalanarys.

Ýöne birinji hatyňyza gaýdyp gelsek, neşriýäniň birinji sanynda ýazyşymyz ýaly, IL-GÜN syýasy bir gurama däldir, hiç bir syýasy gurama bagly däldir we oňa özgermek maksady hem ýokdyr.

Şeýle-de bolsa, neşriýäniň dürli sanlarynda okap-görüşiňiz ýaly, IL-GÜN guramalaşma pikrini alyp barýan toplumlara arka durmaga talaş edendir we ol, geljekde-de şeýle bolar.

Öz ýazyşyňyz ýaly, biziň bagtymyz diňe goldaşmaktadyr.

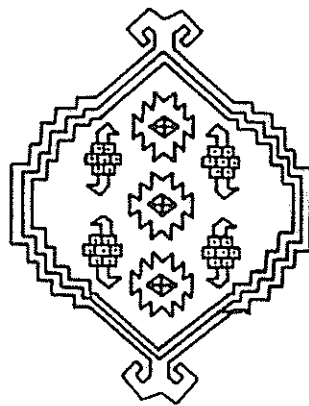
Geljekde-de, IL-GÜN bilen gatnaşykda bolup, oňa ýardam edip durmagyňyzy haýyş edýäris!

Ýagşy arzuwlar bilen,  
IL-GÜN

گزارش ویژه قتل های زنجیره ای در ترکمنصحرا با امضای "جنبش اتحاد خلق ترکمن" به آدرس نشریه رسید. ما از نویسندگان این گزارش بسیار ممنونیم و امیدواریم که در آینده نیز ما را از فعالیت های خود مطلع کنند.

**کمک مالی دوستان**

سیاری از دوستان علاوه بر پرداخت آئونه نشریه، جهت حمایت از ایل کون کمک های مالی کردند. ما ضمن تشکر از این دوستان خواهشمندیم در آینده نیز ما را با همیاری و حمایت خود یاری دهند.



رتن (ترکمن) ترنج

**نامه های رسیده**

کمک های مالی و آئونه نشریه ایل کون - پس از انتشار ایل کون شماره ۱۵ برخی از دوستان علاقمند به نشریه مان از کشور سوئد از طریق نامه و یا پست الکترونیکی و طرق دیگر با ما تماس گرفته و خواستار ارسال ایل کون شدند. ما ضمن تشکر از کمک مالی این دوستان و تایید دریافت مبالغ آئونه نشریه از پیشنهادات و نظرات انتقاد آمیز آنها بسیار متشکریم.

**گروهها و انجمن ها**

از گروههای سیاسی، انجمن های فرهنگی و ادبی که نشریات و اطلاعیه های خود را به آدرس ایل کون ارسال کردند و همچنین از تمامی دوستداران نشریه که تبر و کتاب فرستادند متشکریم.

**قربان ترکمن از کشور کانادا -**

نامه شما را دریافت کردیم . از زحمات شما بسیار متشکریم و خواهشمندیم به همکاری خود با ما ادامه دهید .

آقای ا . کلی کتاب شما را دریافت کردیم . خسته نباشید . موفقیت بیشتر شما را در زمینه تحقیقات در امور تاریخ ترکمن های ایران را آرزومندیم .

**Gynanç:** Halypa Nazarly Mahjuby aradan çykdy!

Türkmensähradan eşidilen habara görä, gynanç bilen ussat sazanda we halypa bagşy Nazarly Mahjuby ömrüni tabşyryp, aradan çykykdyr. Şunuň bilen diýmek, türkmen bagşyçylygynyň iň parlak ýyldyzlarynyň biri öçüpdir.

Halypa Nazarly 1308-nji (h.ş.) ýylda, Akgala töwereklerinde dünýä inýär. Onuň atasynyň ady „Örküt“ we enesiniň ady bolsa „Amansultan“ bolupdyr. Olar halypanyň çaga wagtlary Kümmet Kawusa göçüp gelýärler. Ine şeýdip ussadyň ömrüniň 10-12 ýyly Kümmetde, 2 ýyly „Kesgalaň“ da we ondan soňy hem „Çaýgowşan“ da geçýär.

**Nazarly 13 ýaşynda dutary bagryna basyp ugraýar. Ol ömrüni, ýowlaryň türkmen we türkmençiligi guratmak üçin yrs arap, halkymyzyň üstüne abanyp duran döwründe geçirse-de, sazyny we dutaryny**

**ýerde goýman ýaşayar we 71 ýaşynda şol söýgüliniň mährinden ganman dünýäden ötýär.**

Nazarlynyň uzak ýyllarda toplan tejribeleri, sazda ummasyz çeperligi, aýdymlary özboluşly döredijilikli aýdyşy, sesiniň aýratyn sap, süýji we güýçliligi, ony diňe Türkmensähraňyň çäklerinde däl-de, eýsem bütin türkmen möçberinde halypalyk mertebesine yetiripdi.

**Nazarly, ony bilýänler üçin, özi bir ýoldy!**

**Nazarly, ony duýýanlar üçin, özi bir sazdy!**

Onuň barmaklary, türkmen sazalarynyň çylşyrymly ýollarynda, şaglap gelýän şelpeleriň bady bilen perdelerden ýörmeşip ugranda, dutarynyň owazy özüni zeýrenip duran gyjaga basdyrmazdy!

Ol toý gijeler, daň ýyldyzyň atarmazynda, ýakymly we batly sesi bilen:

„Habarym ýok, öz ilimiň içinde, ala gözli bir perizat bar eken!“ diýip ýañlandylanda, ýaşuylara dynç bererdi, eneleri galkyndyrdy, ýigitleri guwandyryp, aşyk ýürekleri tolkundyrady!

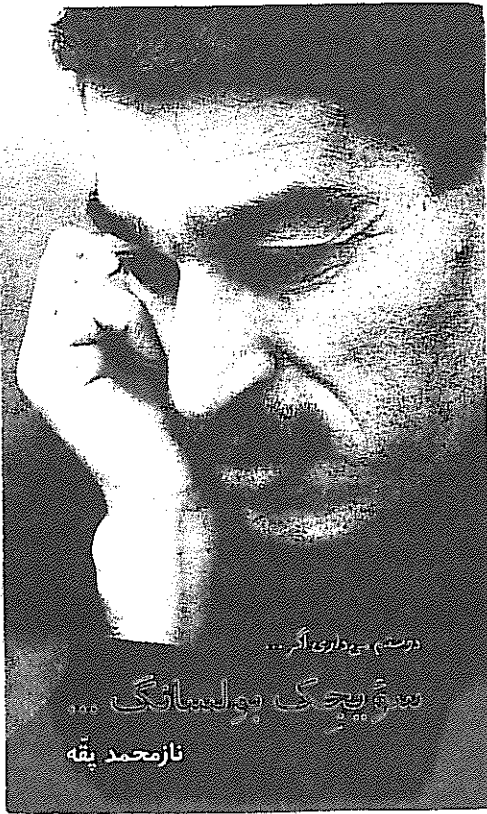
Halypa Nazarly Hywadan Türkmensähra gelen, Çalman bagşydan ugur alyp, öwrenýär we özi-de gymmatly ömrüniň dowamynynda ençeme şagirtleri terbiýeläp, yetiştirýär.

**Türkmen aýdym-sazyny saklap, ösdürmekde, Nazarly Mahjubynyň aýratyn orny bardyr.**

Biz bu pursatdan peýdalanyp, ol beýik ynsanyň aradan çykmagy zerarly, öz gynanjymyzy ilimize-günümüze, we türkmeniň medeni we edebi ojalaryna bildirip, halypa Nazarlynyň maşgalasyna sabyr we kuwat dileýäris!

Ýatan ýeri ýagty bolsun!

IL-GÜN



### Bu gün

Aý bilen asmana ara çekdiler,  
Gül bilen bilbili nara çekdiler,  
Güneşi zynjyrlap atdylar çaya,  
Aşyklary tutp, dara çekdiler.

### Söýjek bolsaň

Jan seniňki, öz erkime goý meni,  
Gerek bolsa bazara sal, ýoý meni,  
Ha ýagşy men, ha ýaman men ezizim  
Söýjek bolsaň, şu durşuma söý meni.

### Çuňňur guýa

Läle gyzy çuňňur guýa atdylar,  
Ýat illere-baý ogluna satdylar,  
Soňam nalalaryn eşitmejek bolup,  
Gulaklarna pagta tykyp ýatdylar.

\* \* \*

### Tapmaçalar:

|    |    |    |    |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|----|
|    | 1. | 2. | 3. | 4. | 5. | 6. |
| 1. |    |    |    |    |    | Ψ  |
| 2. |    |    | Ψ  |    | Ψ  |    |
| 3. |    | Ψ  |    | Ψ  |    |    |
| 4. |    |    |    |    |    |    |
| 5. |    |    |    |    |    |    |
| 6. |    |    |    |    |    |    |

### Kese:

- 1- Çişik, semiz, güberip duran
- 2- Arka tarap, art, eser, nyşan
- 3- Gury däl, nemli, çyg
- 4- Türkmenhäwanyň günbatarında ýerleşen şähir
- 5- Syrat, sypat, keşp, görnüş
- 6- Gyzyrma, iniňi tikenekledip üşeme

### Dik:

- 1- „...“ dert aýdyp derde ýanmaly  
Ganlar içip zalym fettah ganmaly

2- Gaýdym çalyşmasy, „...“ ga-  
dyryn bilmedik, il gadyryn näbil-  
sin. (nakyl)

- Ýekeje harpy ýeten bolsa, köse  
bolardy.

3- Edýän işi dogry dälidir.

4- Türkmen ýazuwynyň başinji  
harpy.

-Kasam

5- Ýaşayşyň soňy.

6- Syçandan ulurak, mele reňkli  
gemriji.

### Tapmaçalar: IL-GÜN 14

|    |    |    |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|
|    | 1. | 2. | 3. | 4. | 5. |
| 1. | A  | S  | M  | A  | N  |
| 2. | Ş  | A  | G  | L  | A  |
| 3. | M  | R  | @  | A  | Ý  |
| 4. | A  | P  | A  | @  | Ç  |
| 5. | K  | A  | K  | M  | A  |



**Kitap dünýäsinde:**

Kitabyň ady: Söýjek bolsaň

Ýazan: Nazmuhammet Pakga  
(d.ý. 1338 h.ş.)

Birinji çap: 1378 h.ş. ýaz aýlary

Neşir eden: Şahyryň özi

Sany: 3000 nusga

Bu kitap 100 sany rubaýynyň ýygındysy bolup, şahyryň ýazan girişi bilen başlanýar. Onsoň Türkmenistanda we Türkmenistan ölkelerinde ýaşýan şahyr we ýazyjylaryň birnäçesiniň bu rubaýylary okap, alan täsirleri getirilipdir. Olardan ynha Settar Sowgy, Seytmuhammet Hydyrow, Kasym Nurbadow we... at çekmek bolar.

Abdulrahman Diýeji bu kitap hakda şeýle sözler diýipdir:

„Bu setirleriň türkmen rubaýysydygyna ynanyň bolar. Sebäbi olarda sähramyň ruhy bar. Şahyryň süýji beýanyndan aýry, içinde bir hili gyzgynlyk hem mähremlik duýsa bolýar.

Dogrusy özümä bu rubaýylary okamda bir käse gyzgyn çay bilen bir döwüm tamdyr çörek iýen ýaly bolýaryn. Kä birisi hem meni türkmenleriň arasynda Babatahyr döräp barýandygyna begendirýär.“

Dogrudan hem Nazmuhammediň bu rubaýylarynda türkmeniň ruhy bar. Ol Türkmenistanda ulanmasy galyp barýan çuň manyly türkmen sözleri peýdalanyp, olary iň degerli ýerde getirip, düýp manyny dört setiriň içinde okyjysyna ýetirip bilipdir.

„Gerek zat“, „Ýyllar kerweni“ ýaly rubaýylarda, setirleriň beýleki bentlerde boluşy ýaly, ýokary derejedäki sazlaşygyndan düşük, selçeň bir näçe bentlere-de gabat gelse bolýar. Ýöne şeýle-de bolsa, „Ýoluň täze bolmagy zerarly, häzir bu iş hakda belli bir zat aýtmak

kyndyr“ diýmek, göwnü-ýetmezlik bolar.

„Diýdiler“, „Gerçekler“, „Bu gün“, „Ene söýgüsi“, „Çuňňur guýa“ we „Söýjek bolsaň“ ýaly bentlerde, Nazmuhammediň şahyrçylyk ukyby mazmun, heň we söz taýdan iň görmükli derejelerine ýetýär. Olarda şahyr özünden çykyp, okyjysynyň ýüregne girip, onuň bilen iň mähremlikde gürleşmegi başarypdyr. Şahyryň syrlaryny duýmak hem rubaýylar bilen hüwdülenip ulalan türkmenlerden aýratyn bir agyr zähmet soramaýar.

**Diýdiler**

Söýgiden sözledim

lowly diýdiler,

derdimi agzadym,

däli diýdiler,

Ýeriň nalasyna

diň salyp ýatdym,

Ýüregi mekirden

doly diýdiler.

## Iki Korea birleşigi?

Uzak wagtlap, Çin döwletiniň el astynda ýaşan Korea 1910-njy ýylda Japan tarapyndan basylyp alyndy. Japanlar Koreany Japanlaşdyrmak syýasatyny öňe sürüp, halky horlamakdan, gynamakdan hem gaýtmadylar. Militär polisi koloniýal agalygyny saklamak üçin hiç bir elhenç işden yüz gaýtarmaýar. Korea dili, ýazuwy, gadagan edilyär. Koreçe atlaryň hemmesi Japan atlaryna öwürdirilyär. Basyp-alyjylar neşriýeleri senzura gözeneginden geçirip, information çeşmelerini göwünleri isledigi ýaly ulanyrlar. Japanyň ikinji jahan urşuna girmegi, Koreany-da oňa çekýär. 1945-nji ýylda Ýalta konferensinde Koreanyň bölünmeginiň düýbi tutulýar.

**Korea dili, ýazuwy, gadagan edilyär**

Koreanyň bir böleginde uruslar bir böleginde hem amerikanlar özlerine bakna döwletlerini

gurýarlar. 1950-nji ýylyň June aýynda iki Korea arasynda uruş başlanýar. Dogan doganyň janyna ganym bolýar. Bir million ynsan bu uruşda heläk bolýarlar. Obalar, şäherler, senagat we ýurdun düýp strukturasy dargaýar. Bu uruş üç ýyl dowam edýär we üç ýyldan soň olaryň arasynda ýarag sesi ýatyrylýar. Şu güne deňeç iki döwletin arasynda parahatçylyk barlyşygy amala aşyrylmady.

**Japanlar Korealary öz atlaryny Japan atlaryna öwürmäge mejbur edýärler.**

Soňky ýyllarda iki Korea bir-birine ýakynlaşyp, birleşmek ugruna düşdiler. 1991-nji ýylda olar geçmişi unutmaga karar berip, baryşýarlar. Bu protses geçen näçe ýylyň içinde kä çaltlanyp kä haýallansa-da ösüş ugruna baryar. 2000-nji ýylyň June aýynda günortaar Koreanyň presidenti bilen demirgazyk Koreanyň presidenti

ýañadandan birleşmegiň çärelerini tapmaga oturşýarlar. Gündogar Koreanyň presidenti bu oturyşlykdan gaýdyp gelende, yüz münlerçe watandaşynyň tarapyndan toýlanyp, garşylandy. Halk begenjini gören Kim Dae-jung „men indi ýañadandan birleşip boljagyna ynanýaryn” diýär. Ol dowam edýär: “Biz bu günden ertire birleşip bilmeris. Ilkiden biziň işdeşligimiz asman, ýer, deňiz ýollarynda gerekdir. Al-beriş we bile iş alyşmagy güýçlendirmeli. Sabyrly bolup ädim-ädim birleşige tarap ugur almalı.” Kim Dae-jung owadan gürrüňlerden daş durup birleşmegiň praktiki ýollaryny tapmagy belläp geçdi. Ol “owadan gepler Korea halkynyň we dünýäniň ynamyny gazanyp bilmez” diýip nygtady. Günorta we demirgazyk Korea yktysat, saglyk, yaşaýyş töwe-regini goraaýyş pudaklarynda bile işlemäge karar berdiler we bu işdeşlikleri öňe äkitmek üçin iş toparlaryny bellediler.

## Ýitmäýin

Garnym açdy ýa-da, ýanýardym derde,  
Aglamakdan çäre tapmardym derde,  
Hüwdiläp, hüwdiläp, ýatyran diliň,  
Melhemdi, ahyrda çäresiz derde.  
Ene jan, ene jan bagyşla meni,  
Unutdym hüwdiňi, unutdym seni,  
Bu günki gün düşüp ulakan derde,  
Gepläp bilmän otyň ýitirip dili.  
Saçlaryny sypap, sermelän balaň,  
Ene jan adyny aýdyp bilmeýär,  
Ne sen düşüňärsiň onuň diline,  
Ne-de ol düşüňär seniň diliňe.  
Ýagmyr dek bir zaman ýagsadym weli,  
Suw diýip salgyna çapýaryň çöli,  
Ýitirip ýolumy, ýitirip dili,  
Ýitmäýin ene jan hüwdile meni.

Eýýub Gerkezi

يیتمايین  
قارنیم آچدی یادا، یانباردیم درده  
اغلانماق دان چاره تا بااردیم درده  
هؤدلاب، هؤدلاب، یاتیران ديلینگ  
مئل هم دی، آخردا، چاره ایسرز درده  
انه جان، انه جان باغیشلا منی  
اونوتدیم هؤدنیگی اونوتدیم منی  
بوگون کی گون دوشوب اولاکان درده  
کسب لایب بیلان اوتین نیریب دلی  
ساجلارینی سیریب ایدیب بالاندر  
انه جان ادینی سیریب بالاندر  
نه سن دوشونسا رستنگ اویتنگ دیلین  
نه ده اول دوشونسا رستنگ اویتنگ دیلین  
یاغمدوک بر زمان یاغسام ده وتی  
سودیب سالغینا چاپیارین چو سکی  
ییریب یولیمی ییریب  
ییتمايین انه جان هؤدلا منی

ایوب گورکزی

برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: [ilguen@geocities.com](mailto:ilguen@geocities.com)

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمائید .